

# جاما

شماره ۷۷ سال دوم

۱۵ ریال

پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۵۹ اول ذی‌قعدة ۱۴۰۰

«سخن هفته»

## درباره برنامه دولت و وزراء

در سه شماره اخیر بعد از تشریح نکات اساسی و مطالب ضروری با دولت، راه نجات را نشان دادیم و این بار در دنباله مطالب گذشته سخن هفته را به بحث در باره برنامه دولت اختصاص می‌دهیم.

نخست بهتر است که به مفهوم «برنامه» و «دولت» بطور کلی اشاره کنیم و سپس به برنامه دولت مورد تمایل مجلس و معرفی شده از سوی رئیس جمهور بپردازیم.

گفته میشود که انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب مکتبی است و ادعا میشود که بسوی استقرار یک جامعه مکتبی در حرکت هستیم، که اگر چنین است - طبق آنچه قبلاً گفته شده است، برای حصول آرمانهای جامعه مکتبی باید برنامه‌ریزی را بعنوان اصل و روش عملی در چنین انقلاب و جامعه‌ای بپذیریم و یادآور شویم که اجرای برنامه‌ها در یک نظام مکتبی نباید بستگی به سلیقه و نظر فردی سیاستمداران و مدیران و دولت مردان داشته باشد بلکه برنامه‌ریزی باید از نیازهای مردم در سطح جامعه منشاء گرفته و در جهت استقرار نظام انقلابی و مکتبی با اجرا گذشته شود.

در یک نظام مکتبی دولتها تعیین کننده نظامات حاکم نیستند - آنها تنظیم کنندگان و مجریان برنامه در قالب نظامات تعیین شده هستند و با در نظر گرفتن این واقعیت که قبلاً هم گفته شده است برای به ثمر رسیدن انقلاب در مرحله اول تعیین اهداف و سیاستها (نظامات) امری ضروری است و ما با تدوین و تصویب قانون اساسی ظاهراً گام اساسی را در این جهت برداشته‌ایم و اکنون در مرحله بعدی باید برنامه‌های لازم برای وصول باین اهداف و نظامات را تعیین و بمورد اجرا گذاریم - تنظیم برنامه و اجراء و نظارت برنامه‌ها و ارزیابی و تجدید نظر دائم در جریان اجرا و در روندی پویا و تکاملی، از وظایف دولت است.

در نظام جمهوری اسلامی، قوای حاکم مرکب از سه قوه مقننه، مجریه، و قضائیه است که این سه قوه در فصل حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن در قانون اساسی آمده است (اصل پنجاه و هفتم) - دولت بخش اساسی قوه مجریه را تشکیل میدهد که با انتخاب رئیس

دولت در یک نظام مکتبی دولتها تعیین کننده نظامات حاکم نیستند - آنها تنظیم کنندگان و مجریان برنامه در قالب نظامات تعیین شده هستند و با در نظر گرفتن این واقعیت که قبلاً هم گفته شده است برای به ثمر رسیدن انقلاب در مرحله اول تعیین اهداف و سیاستها (نظامات) امری ضروری است و ما با تدوین و تصویب قانون اساسی ظاهراً گام اساسی را در این جهت برداشته‌ایم و اکنون در مرحله بعدی باید برنامه‌های لازم برای وصول باین اهداف و نظامات را تعیین و بمورد اجرا گذاریم - تنظیم برنامه و اجراء و نظارت برنامه‌ها و ارزیابی و تجدید نظر دائم در جریان اجرا و در روندی پویا و تکاملی، از وظایف دولت است.

# جنگ قدرت بکجاست؟!

(دموکراسی و او مانیسم غربی) چنین گروهی که دوستان و یار همفکرانی هم در داخل داشتند بسرعت در کنار هم گرفته جریان قدیمی را حیات مجدد دادند. این جریان بعد از انقلاب بنام لیبیرالیسم نام گرفت که اگر چه در داخل خود اختلاف نظرهایی داشتند ولی در نهایت میتوانستند با یکدیگر کنار بیایند.

بقیه در صفحه ۸

همه مکتبی، مسلمان، اصیل، وغیر وابسته بودند ولی بینشها متفاوت، و برداشتهای مختلف داشتند، گروهی از فرنگ برگشته که طی سالها، مبارزه با رژیم را رها نکرده و در اروپا و آمریکا به افشاگری مشغول بوده و از فرهنگ اسلامی و ملی خود نگسسته بودند ولی بدون اغراق باید گفت که از فرهنگ غرب و مخصوصاً ویژه گی‌های مثبت آن بالاخره متأثر گشته

از سوی دیگر آنچنان عرصه را بر همه تنگ کرده بود که انفجار همگانی، اجتناب ناپذیر بود. این انفجار بوقوع پیوست و همه در مقابل چنین آتش فشان خشمگین غافلگیر شدند و علت العمل عقب نشینی دشمن هم شاید همین بود که بدین سادگی سنگر را در منطقه رها نمود.

واما آنانکه بسرعت خلاء موجود را پر کردند، اگر چه

اینروزها مرتباً همه می‌پرسند که بالاخره چه خواهد شد؟! مخصوصاً وقتی ماجرای کشمکش دولتیان و رئیس جمهور بر سر زبانها افتاد و هر کدام بگونه‌ای برای جلب توجه مردم گناه را بگردن دیگری انداختند. باید دانست انقلاب اسلامی ایران در شرایطی آغاز شد که یک سازمان فراگیر وجود نداشت، و فشار حاکم از یکسو و بیعدالتی

## طالقانی



### پیام آور جهاد - شهادت - شورا

بسم الله الرحمن الرحيم  
یادش گرامی باد و نامش پیوسته جاویدان!  
از عایشه پرسیدند: چگونه بود خلق و خوی رسول خدا؟  
پاسخ داد: خلق و خوی او قرآن بود!  
پاسخی است عمیق و جامع. چه کسی از رسول خدا شایسته تر که قرآن را در سراسر زندگی و رفتار و گفتار و افکار راه نما و امام قرار دهد؟  
و اینک ما خواستار اطلاع یافتن از زندگی و طرز تفکر کسی هستیم که سراسر عمرش را با قرآن و نهج البلاغه گذراند و در تمام دوران پسر برکت زندگی خود در مجاهده برای زدودن وبه یکسو زدن پرده‌ها و حجابها و نقابهایی بود که اغراض و امراض و جهالتها و ساده اندیشیها انحرافها بر چهره قرآن و اسلام زده بودند!

#### شرایط سیاسی و اجتماعی عصر طالقانی

پس از پایان جنگ جهانی اول، طرفین متخاصم جنگ در پی تقسیم غنایم، و کشورهای به غنیمت رفته در حال بیداری هستند. در سراسر دنیا، موجی عظیم بر علیه استعمار و استعمار اروپائیان در حال اوج گرفتن است و اولین نداهای اعتراض - هر چند بی انعکاس و هر چند خفه شده در گلو - از گوشه و کنار به گوش میرسد و فریادهای سید جمال الدین اسدآبادی - به عنوان سحری این صبح صادق، هنوز در دلها طنین دارد و بیه سیداری میخوانند، میراث مشروطه مابه دست رضاخانها و وثوق الدوله‌ها - نوکران استعمار - بازم غنیمت استعمار گران شد. ولی جنبش‌های ضد استعماری در گوشه و کنار ایران شعله‌هایی میکشد که خیابانهایها و مسیرها کوچک خان‌ها و ستارخان‌ها و سپاهان‌ها این شعله‌ها را مگر میسازند و علی‌رغم سرکوب خشن همسایه شمالی و مزاحم جنوبی در روشن ساختن طریق این ملت رهنمون میشوند. در سراسر دنیا سوم و بخصوص دنیا اسلام، این جنبش‌ها رویه رشد هستند: الجزایر، هند، چین و... رضاخان قزاق هنوز در تجربه دیکتاتوری است و مردان دین و سیاست در صحنه اجتماع و مجلس با روش حمایتگرانه او از استعمار به مخالفت برمیخیزند. مدارس از این جمله بود و معدودی همراهان همچون خود نیز به دست آورد. از جمله آنان، بزرگ مردی از طالقان که مبارزی است مجتهد، به تهران می‌آید و در دکه کوچکی به شغل تعمیر ساعت سپرده و پس از کسب روزی روزانه خود دکه را می‌بندد و به جلساتی می‌رسد که مخفیانه و دور از چشم قزاقهای رضاخانی، فعالانه شرکت میکند. سید محمود برای ادامه تحصیل به قم میرود و در محضر پهلوان واقعی قرآن و مکتب اهل بیت - در حجرهای درمدرسه فیضیه - در سهایی انسانسازی و خداشناسی و مردم دوستی رامی‌آموزد. در آنجا می‌بیند که استادش آیتالله شیخ محمد تقی یزدی به پیروی حق به زندان و شکنجه و تبعید به حضرت عبدالعظیم می‌افتد و وقتی در آنجا به دیدن استادش میرود جای تازانهای رضاخانی را بر پشت و بازوهایش نشان میدهد. شیخ محمد تقی به سید محمود میگوید: «به طلاب بگو ببینید! با فکر آینده باشید! در جنگال رضاخان باید و مکتب را حفظ کرد.»

سید محمود از اوان کودکی با هدایت چنین پدری و استادانی، تجسم عینی دیکتاتوری و ظلم رالمس کرد، با پدرش در مخفی گاهها همراه بود و در مجالس بحث در محیط اختناق و دلهره شرکت داشت. می‌دید که چگونه مبارزان به جرم پیروی از حق، محکوم به زندان و شکنجه‌ها و چگونه پرانگی نیروها، دست دیکتاتور را برای اعمال ظلم و خفقان بازمیکشند و چگونه اسلام بد معرفی شده، چو نان «پوستینی وارونه» نسل جوان و دانشگاهی را به دامان ایدئولوژی‌های انحرافی می‌افکنند و قرآن - این آیات فطرت انسانی فراموش شده و به قول خودش: «این کتاب هدایت که

بقیه در صفحه ۵

## در مجلس چه میگردد؟! داشت.

نخستین مسئله بحث در اصل یکصد وسی و سوم و یکصد وسی و چهارم قانون اساسی بود که طبق اصل ۳۳ «وزراء به پیشنهاد نخست‌وزیر و تصویب رئیس جمهور معین و برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی میشوند، تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین میکند»

بقیه در صفحه ۸

## قابل توجه مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری و وزارت کشور

در ساعاتی که ریاست جمهوری در میدان شهدا صحبت میکرد ۳ روزنامه زیر چاپ بود بما خبر رسید که عده‌ای اوباش «مکتبی» در مراسم روز ۱۷ شهریور در میدان شهدا بیکی از خبرنگاران «مردم ایران» باین علت که جامائست گحمله کرده و چندتن از خواهران ما را بدون هیچگونه مجوزی مورد تفتیش و بازرسی قرار دادند تاکی و تا کجا ما باید شاهد لگدمال کردن حقوق ملت و زیر پا گذاردن قانون اساسی باشیم؟

## کودتادر کودتا در کودتا

پس از پیروزی انقلاب و بر ملا شدن نقش آمریکا در ایران انتظار میرفت داد گاههای انقلاب مبارزه علیه عوامل امپریالیزم آمریکا را سرلوحه کارهای خود قرار بدهند. از این جهت به محاکمه کشیدن عاملین کودتای ننگین ۲۸ مرداد ضرورتی تاریخی بشمار میرفت تا دیگر بار تفالهای بازمانده آن کودتا با اتکاء به تجربه آموخته از گذشته و ثروتهای بغارت برده از ملت در مغزهای معیوبشان فکر کودتای

بقیه در صفحه ۵

**قابل توجه**  
چون این روزنامه با کمک یاری همفکران و برادران و خواهران منتشر میشود . علاقمندان میتوانند وجه مورد نظر را بحساب شماره ۴۲۰ بانک صادرات ایران شعبه ۹۲۵ واریز و رسید اقرا پسندتر روزنامه از سال بخرمایند...

آنچه در جلسه علنی روز یکشنبه ۱۶ شهریور ماه مجلس گذشت از جهت انطباق با قانون اساسی و اثنین نامه داخلی مجلس که بتصویب اکثریت نمایندگان رسیده است قابل توجه و دقت است بخصوص که طرز اداره مجلس و تصمیمات آخرین جلسه از جهت اهمیت در آینده قانونگزاری جمهوری و ایجاد یک رویه میتواند بدعتی باشد که خود بخود تسالی فاسدهائی را هم بهمراه خواهد

## سومالی و اتحاد با امپریالیسم

اینکه اگر منافعی هست که باید حفظ شود وجود محمدرضاها و حکومتهای آنچنانی برای همیشه قادر بتأمین آنها نبوده و نیست. حضور نظامی و عملی در منطقه گرچه دارای خرج بسیار و مخاطرات بشمار است ولی مطمئن‌ترین وسیله اعمال قدرت و حفظ منافع و مطامع امپریالیستی است بعد از اقتضای که سیاستهای کارتر و حامیان او در ایران پدید آورد، کاخ نشینان و سایر دستاندر کاران دیدند مراجعت محکوم به شکست کرد، تجربه

## در حاشیه درگیری‌های افغانستان میلیونها گران بهداشتی

در چهارچوب محدود امکاناتشان باین پناهندگان برسانند. در بیمارستانهای پاکستان پزشکان با وجود سعی و کوشش فراوان نمیتوانند جوابگوی احتیاجات هزاران نفر از آسیبدیدگان افغانی باشند که روزانه بانها مراجعه میکنند. بقیه در صفحه ۷

## امت واحد (۶) جامعه برابر و برادر

چگونه جامعه‌ای است و آنرا چگونه میتوان و باید ترسیم نمود اولاً باید بدانیم جامعه خواست الله جامعه‌ای است که نهایتاً در آن قسط برقرار گردد بنابراین اگر در تقسیم‌بندی قسط را در پائین‌ترین ردیف قرار میدهیم نه بخاطر بی‌اهمیتی آن بلکه بخاطر بالاترین مرحله که در نهایت میبایست بآن برسیم در ذیل ردیف قرار دادیم اینک شمای کلی چنین جامعه‌ای.

بقیه در صفحه ۷

بقیه از صفحه ۶

مجلس و ابراز رای اعتماد نمایندگان مردم بموقع اجراء می گذارد (ماده آئین نامه داخلی قانونی مجلس شورا) بنابراین دولت در قالب قوه مجریه در جمهوری اسلامی، عامل اجرای قوانین و بخصوص قانون اساسی است و باید راهگشای جامعه اسلامی باشد (مقدمه قانون اساسی) و برای رسیدن باین مقصود لازم است نظامات دستوپاگیر و پیچیده را نفی و سیاستهای متناسب برای نهادهای فرهنگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشخص شده در قانون اساسی را انتخاب نماید و در ایجاد این نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است براساس تلقی مکتبی، ترتیبی اتخاذ کند که صالحان عهدهدار حکومت و اداره مملکت گردند که (ان الارض یرثها عبادی الصالحون).

بطور خلاصه بعد از مشخص شدن مفهوم برنامه و دولت آنچه برای دولت جدید اهمیت دارد حرکت صحیح و قرار گرفتن در مسیری است که بتواند جامعه انقلابی ایران را تبدیل بجامعه اسلامی نموده سازد. مسیری که با منطق علمی و عقلی باید از مراحل ۱- مطالعه، ۲- تعیین اهداف، ۳- سیاست گزاری (تعیین نظامها)، ۴- تعیین برنامه، ۵- اجراء و نظارت و سرانجام ۶- ارزیابی و تجدیدنظر برنامهها، بگذرد که سه مرحله اول با توجه به قانون اساسی و سیر تکاملی انقلاب تا حدود زیادی مشخص شده است و سه مرحله بعدی جزو وظایف دولت جدید خواهد بود و در جهت انجام این وظایف و برنامه ریزی برای استقرار نظام بعد از تشخیص اهداف، نیاز به سیاستهای متوازن و هماهنگ و مجریان متجانس و آگاه است.

**دولت باید قبل از همه برای دستیابی باین سیاستها دید کلی خود را نسبت بجامعه و روابط افراد و گروهها و ارتباط آنها با منابع و امکانات مختلف کشور مشخص کند و اگر دولتی مکتبی است که لااقل اینطور معرفی می شود- و معتقد است که جامعه و جهان دارای نظم و نسقی است و کل و جزء آن تابع قوانین الهی است و همچنین حرکت تاریخ تابع قوانین خاصی است که انسان قادر به شناخت آنها است و انسان با شناخت این قوانین میتواند بر جهت حرکت کمال و تغییر مطلوب نظام گام بردارد و بطور خلاصه اراده انسان را عامل پویائی تحولات تاریخی میدانند- برای اعمال این اراده باید برنامهها و سیاستهای لازم را بدست آورد و مسلماً برای تنظیم برنامه و سیاستها شناخت جامعه و امکانات آن امری قطعی است و بعد از تنظیم برنامه، و ارائه آن به مجلس نمایندگان مردم باید ترکیب هیأت دولت و همکاران اجرائی آن طوری باشد که بتواند همه نیروهای جامعه را در جهت اجرای برنامهها بسوی**

## درباره برنامه دولت و وزراء

برنامههای تفکیکی وزارتخانهها اثری از برنامه وزارت نفت وجود ندارد. و در شرایطی که هنوز بودجه کشور ما متکی به درآمد حاصل از صدور نفت است و در مرادفات بین المللی و در رابطه با سیاستمداران صاحب تجربه و دانش کافی در این زمینه بخصوص در کشورهای صادرکننده نفت هستیم، معلوم نیست چگونه میتوان وزارت حساس نفت و صنایع عظیم آن را بدست وزیری با این مشخصات سپرد.

### وزیر کار

- وزیر کار جوان دیگری است، ۲۹ ساله که سابقاً در رشته برق و الکترونیک! در دانشگاه تحصیل می کرده است تا سال ۱۳۵۵ در جریان تحصیل - خدمت سربازی و در گریهای سیاسی و دستگیری بوده است- دوسال آخر قبل از انقلاب را مشخص نکرده اند بچه کاری اشتغال داشته است (گویا در قم به تحصیل و مطالعه مشغول بوده است) بعد از انقلاب به شهر خودش (بهشهر) باز میگردد و سرپرست کمیته انقلاب میشود و با عدهای دادگاه انقلاب را برپا و خودش دادیاری آنرا بعهده میگیرد! (با توجه بشرايط سخت قضاوت در اسلام و بدون سابقه کار در این زمینه و تحصیلات قضائی لازم) و سپس در بوجود آوردن سپاه انقلاب اسلامی بهشهر نقش عمده داشته و هنوز هم ضمن نمایندگی مردم بهشهر در مجلس شورای اسلامی مشاور در امور سپاه است، و با این شرح حال وزارت کار جمهوری اسلامی و مسائل عظیم کارگری و نقش این وزارت در رابطه با اقتصاد و صنایع و کشاورزی کشور و تنظیم روابط کارگران و مسئولین مؤسسات تولیدی کشور، در انتظار وزیری است که همچگونه سابقه کار عملی و تجربه و تخصص و تحصیل در امور مربوط بکار و کارگری ندارد و معلوم نیست صفات مدیر و مدبر در رابطه با سوابق این کاندیدای وزارت چگونه توجیه شده است؟

### وزیر کشاورزی

- وزیر کشاورزی ۳۴ سال سن دارد- در سال ۵۲ لیسانسیه اقتصاد شده است و به سربازی رفته است و بعد از یکسال خدمت نظام محکومیت سیاسی پیدا کرده است و تا اردیبهشت سال ۵۷ در زندان بوده است و در فاصله اردیبهشت تا بهمن ماه ۵۷ هم شغل خاصی را در سابقه ایشان ذکر نکرده اند و بعد از پیروزی انقلاب و تصرف دانشکده افسری توسط مردم با چند نفر از برادران دیگر حفاظت و کنترل

دانشگده مزبور را بعهده گرفته است- و حالا با چنین سابقه و تجربه و مدیریت و تدبیری در امور کشاورزی! میخواید کشاورزی نابود شده این سران را احیاء کند و کشوری که برای دستیابی به استقلال و خودکفائی باید از همه امکانات و تجارب و دانشهای لازم برای تحول و بازسازی کشاورزی خود استفاده کند یکی از مهمترین وزارتخانههای خود را میخواید بچنین وزیری بسپارد- جای این سؤال هم باقی است که وزیر کشاورزی قبلی که خود عضو شورای انقلاب هم بوده است و سابقه طولانی مبارزاتی دارد و در اعتقادش و ایمانش به انقلاب اسلامی و فعالیت خستگی ناپذیرش شکی نیست معلوم نیست چرا باید تغییر کند- شاید مدیر و مدیر نبوده است- (تحصیلاتش در رشته پزشکی است و در امور کشاورزی مطلقاً بی تجربه بوده است) و در اینصورت جای او را (صرفنظر از سوابق مبارزاتی) به کسی با همان شرایط دادن یک کار انقلابی و مکتبی است؟

### وزیر بازرگانی

- وزیر بازرگانی که از سالمندان کابینه بحساب می آید (۴۵ ساله است) و از جهت سابقه تحصیلات، ذکر شده است «دوره دبیرستان را گذرانیده است»- سابقه کار تجاری داشته و در فاصله دوبرار زندانی شدن بکار آزاد در بازار (فروش البسه زیرزانه) مشغول بوده و از سال ۴۳ تا پیروزی انقلاب سه بار محکوم شده است بار اول ۱۸ ماه- بار دوم ۴ سال و بار سوم ۱۸ سال که پس از سه سال آزاد میشود و در تیرماه ۵۷ جهت معالجه چشم (شکنجههای زیادی را تحمل کرده است) با آمریکا رفته و در ۱۶ بهمن ۵۷ بتهران بازگشته و پس از انقلاب مدتی در منزل امام و سپس به عنوان نماینده دادستان در زندان اوین مشغول انجام وظیفه شده است! (با توجه به شرایط قضا و قضاوت در اسلام) و با چنین شرح حالی در ایمان او بانقلاب و فعال بودن او در ادامه کار سیاسی و مذهبی نمیتوان شک داشت ولی آیا این صفات برای اداره و تدبیر در امور بازرگانی کشوری تحت محاصره اقتصادی و با مبادلاتی عظیم و تجارتی بی سروسامان و مجبور بارتباط با محافل بازرگانی و تجاری پیشرفته جهان که از آخرین تکنیکهای بازرگانی و فروش و مدیریت برخوردار هستند میتواند منطقی و مکتبی و منطبق با اصل دوم قانون اساسی و استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری باشد؟!

و شاید اگر در یک یک باقیمانده اعضاء معرفی شده دولت این بررسی اجمالی

دنیا سال شود تعداد زیاد دیگری هم باین نمونهها اضافه شود- و اگر در این چند نمونه دو عامل مدیریت و تدبیر بیشتر مورد نقد قرار دارد در بعضی از موارد دیگر میتوان در مکتبی بودن آنان تردید کرد چرا که سوابق عملی آنان مشخص اعتقاد مکتبی نمیتواند باشد- و ما فعلاً بهمین اشاره بسنده می کنیم- و این مختصر در ارتباط با اصل دوم قانون اساسی که یکی از مبانی برنامههای دولت ذکر شده است کافی است و در رابطه با اصل سوم قانون اساسی که ایضاً مورد اشاره برنامه دولت بوده است و تحقق آن را وجهه همت خود ساخته اند و در سرفحه اصول برنامههای دولت ذکر کرده اند باید اضافه کنیم برای تحقق مفاد بندهای ۱۶ گانه این اصل هیچگونه برنامه عملی ارائه نگردیده است و منجمله اشاره بچند بند این اصل در مقایسه با اصول برنامههای دولت در وزارتخانههای مختلف میتواند این معنا را روشن کند.

در بند ۳- اصل سوم قانون اساسی آمده است: «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» در حالیکه در برنامه وزارت آموزش و پرورش و وزارت آموزش عالی و فرهنگ و هنر مطلقاً باین مفهوم حتی اشاره هم نشده است- چه رسد باینکه برنامه ای ارائه شود.

در بند ۱۰- اصل سوم قانون اساسی آمده است: «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور» و در برنامه دولت زیر عنوان انقلاب اداری- همین تعبیر را بشکل دیگر «ایجاد دگرگونی در تشکیلات دولت و تغییر نظام اداری و..... حذف ادارات و مشاغل زائد» می بینیم بدون آنکه معلوم شود از چه راهی و با کدام برنامه و در حقیقت بجای برنامه ریزی برای تحقق این اهداف- خود هدف را بجای برنامه بنامه بازگو کرده اند و عیناً این نحوه ارائه برنامه در رابطه با بند ۱۲ اصل سوم نیز بچشم میخورد بند ۱۳ میگوید «پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و دفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت، در زمینههای تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» و در برنامه دولت می خوانیم

«تأمین بهداشت و درمان برای همه افراد جامعه تأمین داروهای ضروری از طریق صحیح تربیت پزشک و رشتههای وابسته پزشکی تاحد خود کفائی از طریق همکاری باوزارت علوم» و مشخص نمی شود که این تأمین بهداشت و درمان برای همه از چه راهی است و این طریق صحیح!!

تأمین دارو کدام طریق است؟ و آیا آنها همکاری باوزارت علوم (چنین وزارت مدتها است که دیگر وجود ندارد منظور همان وزارت فرهنگ و آموزش عالی است) تربیت پزشک و رشتههای وابسته را تاحد خود کفائی تأمین میکند؟!!

و در برنامههای سازمان جدید التاسیس بهزیستی هدفهای برنامه ریزی مجدداً بجای خود برنامه ذکر شده است و مثلاً در بند ۱ «تأمین موجبات برنامه ریزی و هماهنگی و نظارت و ارزشیابی در زمینههای مختلف بهزیستی» بجای برنامه دولت در این بخش آمده است!

در بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی ذکر شده است «تأمین حقوق همه جانبه افراد ازن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» و در برنامه دولت براینکه اصولاً برنامه امور قضائی و دادگستری حتی در ارتباط باشورای عالی قضائی نیامده است- مطلقاً معلوم نشده است که برای تأمین امنیت قضائی و حاکمیت قانون چه برنامه ای پیاده خواهد شد آنچه در اصل نهم برنامه دولت آمده است «ایجاد نظم و امنیت بساطیکه بر رشد و قاطعیت بسوسيله نیروهای نظامی و انتظامی» است و اعمال از حاکمیت قانون و تسخلفات قاطعیت در برابر نظام قانونی و بخصوص تساوی همه در برابر قانون ذکر میمان نیامده و آنچه هم که صحبت از ارشاد و قاطعیت شده است وسیله اش رانیهروهای نظامی و انتظامی ذکر کرده که معلوم نیست نیروهای نظامی چرا باید در ایجاد نظم قانونی در داخل کشور شرکت داشته باشند این نیروهای انتظامی (شهربانی- ژاندارمری- سپاه پاسداران- کمیتهها) کافی نیست که باید پای ارتش را هم بعبان آورد؟

«این بحث را در شماره بعد دنبال می کنیم» والسلام

## مردم ایران (جاما)

نشریه هفتگی جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما) زیر نظر شورای نویسندگان ساسی: خیابان فلسطین جنوبی بالاتر، چهارراه پاستور، تلخ: ۶۶۷۱۱۸-۴۴۴۸۰۴ چاپ کیهان

### سومالی و اتحاد با امریکاییان

بقیه از صفحه اول.

دوباره به ایران چندان آسان نیست سرعت دست بکار اعزام نیرو به اقیانوس هند گردیدند مساله گروگان گیری آمریکائیان در ایران بهانه خوبی برای توجیه اتخاذ سیاست بود. زیرا که بعد از جنگ ویتنام مردم امریکا رغبتی به دخالت‌های نظامی نداشتند پنتاگون با مانورهای چند، این باور را که حضور امریکا در اقیانوس هند حیاتی است در مردم غرب و امریکا بوجود آورد. چرا که عملکردهای ماه هم چندان صحیح نبود و به کارگزاران پنتاگون ندانسته در انجام این مهم یاری داد.

بریتانیا جزیره دیه گو گاریا را به امریکا واگذار کرد. سیل تجهیزات جنگی و ناوگان به این جزیره سرازیر گشت. سلطان قابوس خود و کشورش را تقدیم ارباب کرد باین ترتیب آنها تا دریای عرب پیش آمدند. پایگاه‌های هوایی و تسهیلات بندری پاکستان هم در اختیارشان قرار گرفت. باین تدارکات نیز بسنده نکردند. کنیا بنادر خود را به امریکا واگذار کرد علاوه بر ایجاد پایگاه، امریکا دست به احداث انبارهای بزرگ ذخیره نفت زد و این عمل نشان داد حضور نظامی امریکا در اقیانوس هند و محاصره آن دائمی خواهد بود.

شروع مذاکرات امریکا و سومالی سیاست‌های واقعی امپریالیسم امریکا را آشکار ساخت که محاصره اقیانوس هند باید به دریای مدیترانه پیوند زده شود و این کار مشکلی نبود و نیست چون مصر و اسرائیل ارباب خود را در انجام این مهم تنها نمیگذارند امکانات خود را در اختیار او میگذارند تا محاصره ملت‌های اطراف اقیانوس هند به مراکز ناتو نزدیک شوند.

سومالی بعد از مذاکره طولانی که در این میان انورسادات نیز نقش دلال سیاسی را داشته است به این رشته ارتباط پیوسته و جهان‌خواران را در ایفای نقش خود یاری داده است بنادر و پایگاه‌های سومالی در اختیار امریکا قرار میگیرد. و این برای مسکو خوشایند نیست.

زیرا که پایگاه‌های دریایی بنادر در بربر و مگادیشو و پایگاه هوایی شمال سومالی امریکا را قادر میسازد با استفاده از جزایر متصرفی مصریه و اسرائیلی‌ها در دریای سرخ تمام مناطق حتی حرکت‌های شوروی در بنادر اتیوپی واقع در دریای سرخ را زیر کنترل دقیق خود داشته باشد. تاس در این رابطه تفسیرهای متعددی داشته، این خبرگزاری هدف امریکا را دامن زدن به تشنجات موجود در شاخ آفریقا و تحت فشار قرار دادن اتیوپی دانسته و در جای دیگر اشاره به محاصره اقیانوس هند دارد ما در نوشته‌های گذشته بان دقیقاً توجه

داشته‌ایم و موقعیت امریکا را در اطراف این اقیانوس مشخص و روشن ساختیم و گفتیم با استفاده از امکانات نظامی استرالیا و پایگاه‌های قبلی پین اندونزی، تایلند، پاکستان، عمان، سومالی، کنیا، آفریقای جنوبی باعث میشود اقیانوس هند عملاً در محاصره امریکا در آید و از راه شاخ آفریقا بکمر اسرائیل و مصر در دریای سرخ این محاصره به مراکز ناتو در دریای مدیترانه پیوند زده شود. این سیاستها و اعمال زور و فشار و قدرت نمیتواند برای ملت‌های این منطقه بعنوان یک کشور مستقل تحمل پذیر باشد با وجود این واکنشی هر چند کوچک از دولتهای این حوالی دیده نمیشود. بعضی چون سلطان حسین در اردن خالد وفهد در عربستان و حکومت‌های این چنینی سرسپردگان سیاست‌های واشنگتن‌اند و دیگران هم که ادعای استقلال دارند مقاومت را مصلحت نمی‌بینند.

این مصلحت اندیشی ابرقدرت منجاور را سفاک تر وجسورتر نموده وادامه دست اندازی را برای او ممکن ساخته است. آنچه مایه تاسف است عدم فهم و درک زمامداری چون آقای زیاد باره است. از سال ۱۹۶۰ که سومالی ظاهراً ورسم استقلال یافت و به سازمان ملل پیوست هرگز در خط استقلال نبوده است بعد از دوری کامل از اروپای غربی بسرعت بطرف شرق گرایش پیدا کرد. همین پایگاه‌های مورد مصالحه با امریکا را قبلاً در اختیار شوروی قرار داده بود سیاست بازان سومالیایی شعار ضد امپریالیستی وضد امریکائی میدادند. در کنفرانس از رعایت دیدگاه‌های مسکو غافل نبودند. در اتخاذ مشی سیاسی بین‌المللی بهمین شیوه عمل میکردند.

وقتی رژیم هایل سلاسی در اتیوپی بمخاطره افتاد شوروی موقعیت آنجا را برای نفوذ مناسب یافت پس از سقوط رژیم مذکور، زمامداران جدید اتیوپی برخلاف اسلاف خود که نگاه غرب داشتند بطرف شوروی متمایل گشتند وارد نگاه کمونیسم در آنجا مستقر شد و جایی برای امریکا باقی گذاشت.

این ارتباط سومالی دشمنش اتیوپی را خوش نیامد بعد از بگومگوا سومالی از وجود نظامیان شوروی پاک میشود. آقای زیاد باره بایک چرخش باور نکردنی بدامن امریکا رها میگردد او میبندد با این عمل خود میتواند بنظرات، وبه مطامع خود دست یابد غافل از اینکه هرگز جهان‌خواران شرق و غرب به خواست ملت‌های جهان سوم توجهی ندارند و به آنها اجازه طرح چنین خواهستهایی رانمیدهند.

اتیوپی از پیوند سومالی و امریکا ناخشنود شده به امریکا هشدار داده است. ورود

### نامه‌ای از مجاهدین

به نام خدا  
و  
به نام خلق قهرمان ایران

هفته‌نامه‌ی محترم مردم ایران (جاما)

خواهشمند است در رابطه با مقالات «جاما و اتحاد با سازمان‌های دیگر» در قسمتی که به سازمان مجاهدین خلق ایران مربوط می‌شود، بدین وسیله تاسف عمیق این سازمان از درج پارامی مطالب یک جانبه و تحریف شده و بعضاً حتی تکرار اتهامات بی‌پایه و اساس جریانات راستگرا، ارتجاعی و مافوق ارتجاعی علیه مجاهدین را، به اطلاع خوانندگان خود برسانید.

در شرایطی که باران گلوله و افتراء از هرسو صدیق‌ترین نیروی خونبار انقلابی میهنمان را فراگرفته است، طبعا امید میرفت که نشریه شما از ترس‌ها و جاذبه‌های جریان حاکم «قدرت» برکنار بماند.

لیکن سازمان مجاهدین خلق ایران، به دلیل مبارزهای هر چه جدی‌تر با آنچه در اعلامیه‌ی «همبستگی و هماهنگی» تاکتیکی جاما و جنبش ملی مجاهدین به تاریخ ۱۲۹ اردیبهشت ۵۸ «تهدید اصلی» مکتب و انقلاب، معرفی شده بود، پاسخگویی نکته به نکته به مطالب نادرست مورد بحث را فعلاً ضروری نمی‌یابد و آن را به هر وجدان منصفی اجازه می‌کند که اعلامیه همبستگی تاکتیکی فوق‌الذکر را یکبار دیگر مرور نموده و نگاه با بینشی انقلابی- و نه مماشات گرانه عمده‌ترین دلایل نابسامانی اوضاع سیاسی موجود کشور و خدشه‌دار شدن چهره انقلاب و مکتب و به ویژه رشد اختناق تحت عنوان مذهب را بدون هیچ پرده‌پوشی پی‌گیری نماید و آنگاه به داوری برسر مواضع مورد اختلاف مجاهدین و سایرین بپردازد. چنانکه می‌دانید، خطر راست‌گرایی افراطی که پدر طالقانی آن را به حق خطر خوارچین نهروان نامیده بودند، در اعلامیه‌ی مزبور تهدید اصلی درونی جنبش معرفی شده و نسبت به «آثار زیانمند و ضد انقلابی این تمایل خطرناک افراطی» که «می‌رود تا با انواع ترورهای سیاسی و فکری و نظامی چهره‌ی آزادی و مکتب راستین اسلام را آلوده سازد» هشدار داده شده بود.

باتشکر مجاهدین خلق ایران

«کشف دستگاه رادار»

در یک انبار مقصداری دستگاه‌های الکترونیکی و رادار بوسیله کمیته منطقه ۱۴ کشف شد طبق اسناد و مدارکی که در این انبار موجود بوده است این

### پاسخی از جاما

بنام خدا  
برای خواهران و برادران مجاهد و خوانندگان مردم ایران

مطلب فوق بتاريخ ۱۳ شهریور ۵۹ صادر و این هفته بدست ما رسید که اینک با تاکید بر ضرورت رعایت صداقت بدرج آن همت می‌گذاریم. هر چند مطالبی که در شماره‌های قبل «مردم ایران» در مقاله «جاما و اتحاد با سازمان‌های دیگر» در قسمت مربوط به مجاهدین مطرح شده تماما متکی بر شواهد و دلایل تاریخی بوده و آنها بسبب پاسخگویی به سوالات متعددی بود که خوانندگان ما و از جمله هواداران سازمان مجاهدین خلق از ما میکردند، و گرنه ما هرگز قصد تشدید تضادهای درون خلقی را نداشته و نداریم و آن هدفی که خیلی‌ها بنام «لبنانیزه کردن» برای ایران پیشرو دارند در خیال خود نمی‌بینیم. اما در رابطه با اعلامیه فوق انتظار میرفت حداقل تعارفاتی مثل «اتهامات بی‌پایه، جریانات راستگرا»، «ارتجاعی و مافوق ارتجاعی» که باز از خود بزرگ‌بینی‌های سازمانی و خودمحوری نشأت میگیرد منبسط‌تر شرح داده شود و آیا ذکر هر واقعتی مستوجب چنین اتهاماتی است که اگر چنین باشد وای بر ما و وای بر «صدیق‌ترین نیروی خونبار انقلابی میهنمان» شکی نیست انحصارطلبی و عملکردهای غیرمکتبی مدعیان بن بست کنونی جامعه ما است ولی ماجراجویی‌های مترقی نمایان و کسانی که درگیرهای درون خلقی را از آغاز پیروزی عظیم ۲۲ بهمن دامن زدند دام بر سر راه سازمان‌های انقلابی گسترده و باعث فریب آنها شدند نیز در انحراف انقلاب نقش بزرگی بازی کرده‌اند در اینجا است که میبینیم ما درست بر مواضع اعلامیه مشترک ولی از دیدگاهی منطقی‌تر و عاقلانه‌تر اما با شجاعت تمام ایستادیم و عقب‌نشینی نکردیم که حادثه آفرینی و ماجراجویی را هم نوع واپسگرایی و ارتجاع میدانیم که نهایتاً پیشرفت جریان انقلاب را کند کرده و بنفع امپریالیسم خواهد بود. لذا آنرا هم خلاف مکتب دانسته و محکوم مینمائیم. برادران مجاهد بدانند که ما نخواهیم غیرمکتبی عمل کنیم و گرنه در این شرایط حساس امکان مطرح کردن مطالب بسیاری است که شایسته میدانیم از گفتن آن صرف نظر نمائیم.

مردم ایران «جاما»

دستگاه‌ها متعلق به صدا و سیما جمهوری اسلامی است که پس از ترخیص گمرک بوسیله مسئول این ترخیص بجای تحویل بدولت در این محل مضمی شده است قیمت این کالاها بالغ بر دهها میلیون ریال میباشد.

### در مجلس

## چه میگذرد؟

بقیه از صفحه ۸

میگردید و بعد با حضور شورای نگهبان به بحث گذاشته می‌شد ولی رئیس مجلس بدون توجه باین روال قانونی و اجرای آئین‌نامه و با استناد به اصل هشتم و پنجم قانون اساسی نخست به ضرورت ارجاع این مهم به کمیسیون داخلی برای اخذ تصمیم قانونی با قیام و قعود رای گرفت و با تخمین حصول اکثریت قیام کنندگان (بدون شمارش افراد قیام کننده). ضرورت و سپس اصل ارجاع طرح اصلاح آئین‌نامه انتخابات و اجراء آزمایشی آنرا بمدت ۶ ماه تصویب شده اعلام کرد- و با این روش و به بهانه ضرورت زمانی و انقلابی عمل کردن یک رویه نادرست در کار و مجلس شورای اسلامی ثبت گردید در حالیکه در اصل هشتم و پنجم قانون اساسی میخوانیم «سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست، مجلس نماینده است و اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیاتی واگذار کند ولی در موارد ضروری میتواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیونهای داخلی خود تفویض کند در اینصورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجراء میشود و تصویب نهائی آنها با مجلس خواهد بود» و معلوم نشد که ضرورت ارجاع این طرح بدون اطلاع نمایندگان از تغییراتی که صورت گرفته و میتواند در سرنوشت انتخابات تاحاط باقیمانده موثر باشد آنها با چنین فوریتی بعد از تاخیر فراوان در انجام انتخابات مزبور چه بوده است؟ و عجیب اینکه گاه در جریان مذاکرات مجلس و اخطار نمایندگان در موارد نقض آئین‌نامه داخلی و یا قانون اساسی رئیس جلسه اخطار کنندگان را مجبور به نشستن میکرد و گاه که با مقاومت آنان مواجه میشد اظهار میداشت که لازم نیست اخطار کنید و یا نمیخواهم اخطار کنید و این بیان از طریق رادیو و تلویزیون منتشر میشد و بگوش مولکین که شاهد اجرای مقررات و نظم و قانون بوسیله نمایندگان خود هستند میرسید!

امیدواریم مجلس شورای اسلامی که در نوع خود اولین مجلس انقلابی و اسلامی است بتواند مصرف یک نهاد قانونگزاری مکتبی و مبتنی بر نظم و رعایت حق و قانون باشد.

«خبرنگار پارلمانی»

بخش (۳)

۵- نتیجه گیری

الف- باتوجه به تمام نکاتی که عنوان شد و باتوجه به اهمیت نفت خاورمیانه و جهمت امپریالیسم و با در نظر گرفتن این مطالب که هنوز انرژی دیگری جایگزین انرژی قبلی نشده است و خاورمیانه شصت درصد ذخایر جهان را از نظر نفت دارا میباشد و تمام درآمدهای نفت با کالاهای ساخته شده و بسیار کم ارزش تر تعویض و به جهان غرب بر میگردد و جهان امپریالیسم در این یک ربع قرن اخیر به همین دلیل تشدید استثمار، دچار کساد بازار بصورت شدیدی نشده است و باتوجه به موقعیت استراتژیکی خاورمیانه و اهمیت حفظ آن برای امپریالیسم در برابر کمونیسم یا برعکس دیگر امپریالیسم نمیتواند بخود بقبولاند که خاورمیانه را از دست بدهد زیرا ضربه ناشی از آن میتواند امپریالیسم را از پای در آورد بنابراین تعارض و حتی وجود انقلاب اسلامی ایران برای اهداف امپریالیسم سخت خطرناک و مهلك است. امپریالیسم نمیتواند تمام لحظاتی را در خوف و رجاء وجود یا عدم وجود انقلاب اسلامی ایران بگذراند پس دست زدن به یک تعرض و به یک دخالت و به یک جنگ برایش اجباری است و اجتناب ناپذیر است. امپریالیسم و عوامل آن بخوبی میدانند که در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم از چه مزایایی برخوردار بودند و میخواهند که در اثر سیاست و روشهای غلط خود چه فاجعه هایی در انتظارشان است بدین جهت سعی میکنند که رگوردهای اقتصادی خود را با هزاران حیل بکشورهای جهان سوم منتقل سازند و از نیروی کار و مواد معدنی و منابع طبیعی این کشورها حداکثر سود را ببرند.

و تا آنجا که مقدور است گرفتاریهای خود را بتعویق اندازند. بخاطر همین مطلب است که نسبت به هر جنبشی که این قانون را بهم بزند سخت در ستیزند و باتمام قدرت و توانایی سعی در خفه کردن آن دارند. مخصوصا که طلسمه فاشیستی برای حفظ مزایای امپریالیستی در صحنه سیاست آمریکا از دور نمایان است. ب- مثلی است معروف که میگویند بهترین دفاع حمله است، محدود کردن و محاصره نهضتها و جنبشها و جلوگیری از پیشروی آنها یکی از روشهای متداول و عادی است. آمریکا برای جلوگیری از رشد و سرایت و حتی پیروزی گویا آنرا محاصره اقتصادی میکند و علاوه بر آن غالب کشورهای آمریکای لاتین را وادار میسازد که روابط خود را با آن قطع کنند. یا سالهای متمادی یک چهارم بشریت را بحساب نمی آورد (چین) و اصولا تمام مجامع بین المللی را تمام امکانات محروم میسازد و کاملا چون نگین انگشتر در محاصره

اقتصادی و سیاسی میگردد، روسه شوروی را قسدرتهای اروپائی، از هر طرف محصور میسازند و از بسط حرکات انقلابی در خارج از آن کشور جلوگیری مینمایند، بصورتی که شوروی ناچار فلسفه و ایدئولوژی سوسیالیسم و انقلاب در یک کشور را میپذیرد و شوروی برای پیروزی با وجود پهنای بودن کشور و امکانات زیاد و علیرغم آنکه در آن زمان روشهای امپریالیستی اینقدر پیشرفت نکرده بود به یک دیکتاتوری سیاه حزبی روی می آورد که نمونه آن تا آن زمان دیده نشده بود. مقاومت چین و شوروی در برابر اینگونه محاصرها و ایجاد محدودیتها بدلیل وجود سازماندهی منسجم و در عین حال امکانات داخلی کشور و نتیجه سالها مبارزه و تجربه بود در قیاس با موارد فوق و بسا توجه بموقعیت کنونی جهان و همچنین با در نظر گرفتن این مطلب که انقلاب اسلامی ایران بی نظیر و در نتیجه در جهان تنهاست و در ضمن موقعیت استراتژیکی ایران و منابع طبیعی خاورمیانه نمیتوان امیدوار بود که اگر انقلاب اسلامی ایران کاملا در بستر به درون بپردازد موفق خواهد بود حالت تدافعی برای انقلاب ایران خطرناک و مهلك است. برای اینکه ایران در درون خود نتوسد و باتوطئه های مکرر داخلی و خارجی از بین نرود ناچار به تهاجم است ناچار به بین المللی کردن انقلاب ناچار به ایجاد درگیری عقیدتی در نقاط دیگر جهان و به خصوص در منطقه حساس خاورمیانه است. ایران نمیتواند و نباید به بلوکی وابسته شود تا از مزایای کمگهایش بهره مند شود آنهاهی که بدینگونه می اندیشند متوجه نیستند که نه تنها با زمینه فکری و ایدئولوژیکی ایران سازگاری ندارد بلکه این وابستگی امکان شکست انقلاب ایران را بیشتر میسازد و آسیب پذیری مردم را افزونی میبخشد و از حمایت توده های مردم محروم میگردد، بطور بالقوه جهان سوم بخصوص جهان اسلام آمادگی آغاز مبارزه شدید علیه امپریالیسم را دارد بدین جهت است که امام خمینی به بعد جهانی انقلاب توجه کرده و میخواهد که انقلاب اسلامی ایران را از محدودیتهای ملی آزاد نماید مسائل کلی جهان اسلام را بیشتر مطرح میسازند تا نقطه حرکتی برای تعمیم و اوج دادن و گسترش انقلاب گردد. امپریالیسم نیز بخوبی از این مطلب آگاه است و سعی میکند روح ناسیونالیستی را آنهم بنحوی بسیار شدید مطرح سازد و با ایجاد اختلاف بین متعصبین ملی و مذهبی بهره برداری نماید. بطور خلاصه باید گفت که انقلاب اسلامی ایران ناچار است که حتی برای گریز از درگیریهای درونی و دوام وحدت و یکپارچگی به حالت تهاجمی خود نسبت به امپریالیسم ادامه داده و آنرا در

دسیسه های امپریالیسم علیه انقلاب اسلامی ایران

خارج از مرزهای خود نه بوسیله حملات نظامی مستقیم بلکه از طریق ایدئولوژیکی گسترش دهد مخصوصا که جنبشها و گروههای مبارز منطقه به این امر آگاهند و در ضمن عملکرد غلط امپریالیسم و دولتهای غیر مردمی این تهاجم را تسهیل مینمایند.

ج- تصمیم اسرائیل در مورد انتقال پایتخت به بیت المقدس موجی از نارضایتی را در منطقه ایجاد کرده و باز هم این مطلب را عیان ساخته است که دولت آمریکا ابدأ توجهی به منافع و اعتقادات ملت های دیگر ندارد تا آنجا که عربستان سعودی و عراق هم بخاطر ترس از احساسات مردم خود مسئله را بصورت جدی مطرح و به استفاده از سلاح نفت بعنوان یک حربه سیاسی تهدید کردند. در این میان تنها ایران بود که بمردم روی می آورد و به مردم مسلمان اعلام کرد که روشهای دیپلماسی کاری از پیش نخواهد برد کما اینکه در شورای امنیت

سازمان ملل هم این روش و کار اسرائیل را همانند دفعات گذشته در موارد دیگر محکوم کردند اما این محکومیتها ضمانت اجرایی ندارد و جز توقع دیگر داشت بصورت قرارداد کمپ دیوید همانطوریکه عنوان شد از بین خواهد رفت و با وجودیکه همانند دهه ۱۹۵۰ در میان اعراب روحی از ناسیونالیسم عرب وجود ندارد و بیشتر حکومت های عربی به راست گرایش پیدا کرده اند ولی علیرغم گرایش براسست نفوذ انقلاب اسلامی ایران همه آنها را وادار به احتیاط بیشتری کرده و توده مردم براسست گرایش پیدا نکردند و روز بروز بحقایق وابستگیهای دولتهای خود به امپریالیسم بین المللی واقفتر میگرددند و همین امر میتواند منطقه را علیه امپریالیسم به جهنمی سوزان تبدیل کند.

اسرائیل و امپریالیسم آمریکا با سست شدن قرارداد کمپ دیوید و در ضمن تفرق و اختلاف کشورهای عربی و همچنین دفاع از منافع خود در خاورمیانه و به خطر افتادن ذخایر ۶۰ درصد نفت جهان ممکن است به یک تعرض علیه ایران و همچنین بعضی از کشورهای منطقه دست بزنند ایران از هم اکنون باید بداند، که چه خواهد و چه نخواهد در این جنگ درگیر خواهد شد بنابراین نباید با حالت تدافعی خود را در زندان قرارداده و موجبات شکست را فراهم سازد.

د- برای جنگیدن با دشمن نیاز به آرامش سیاسی و برنامه ریزی اقتصادی در درون کشور است گرچه

می کند. اما آیا این استفاده از منابع ذخایر ارزی تا کی میتواند ادامه یابد. باز هم یادآور می شویم که پیروزی ما در گرو تولید بیشتر داخلی و تغییر خطوط تولید کارخانجات به جهتی است که به تواند نیازهای ما را به خارج کمتر سازد و راه دیگر هم که باید به موازات آن تبلیغ گردد کم کردن نیازهاست. تمایل به مصرف زیاد و بی توجهی در صرفجویی از عواملی است که امپریالیسم همیشه بران، جهت به دام انداختن ملل مختلف تکیه می کند و با استفاده از این عامل رکود و کساد و بحران اقتصادی خود را به کشورهای دیگر صادر مینماید.

بنابراین مسامحه و گذشت در برابر کسانی که به تولیدات داخلی لطمه میزنند نوعی همکاری با امپریالیسم است.

م- امپریالیسم همیشه با ایجاد درگیری های منطقه ای بحران اقتصادی خود را به دیگر نقاط صادر و با فروش اسلحه اقتصاد خود را رونق میدهد. اما هرگز خواهان جنگ های طولانی و درازمدت نیست. هر چه جنگها شدیدتر و تلفات بیشتر و مدت آن کوتاهتر باشد برای امپریالیسم مفیدتر است. این قانون حتی در وقتی که خود درگیر جنگ است نیز صادق می باشد اما درگیری درازمدت هم از نظر افکار عمومی جهان و هم از نظر اقتصادی برای امپریالیسم زیان بخش است زیرا ناچار حالت کلاسیک خود را از دست میدهد و در یک جنگ غیر کلاسیک سلاح های سبک به کار میرود و سلاح پیچیده و گران قیمت طالبی ندارد و بنابراین از نظر بازار چندان به سود فروشندگان اسلحه نیست. با توجه به این مطلب و اینکه معمولاً ذخایر نفت کشورهای صنعتی برای مصرف ۹۰ روز است و در شرایط فعلی هم فقط چند کشوری قادرند که بیش از این مقدار را ذخیره کنند، درگیری فرسایشی و طولانی میتواند بعنوان راه حلی در مبارزه با امپریالیسم و عوامل آن به حساب آید. پس برای مبارزه باید روحیه ای بوجود آید که توقع درگیری بلندمدت و فرسایشی را داشته باشد. اگر به مبارزات ملل مختلف توجه کنیم درمی یابیم که به جز کوبا که آنهم به دلایلی که جای توضیح در اینجا نیست همه کشورهای که پیروز شدند اراده ای مصمم و خلل ناپذیر آنهم در بلندمدت داشته اند. این روحیه توأم با عمل، قدرت شیطانی را به زانو درمی آورد. به جملاتی از یک اعلامیه علیه فرانسویان در سال ۱۸۶۲ در ویستنام توجه فرمائید. «ما به جز خدا از هیچ چیز و از قدرت شما نمی ترسیم ما قول می دهیم بدون وقفه تا باد به جنگیم. وقتی چیزی برای ما باقی نماند ما سربازان خود را مسلح به چوب و شاخه درختان خواهیم کرد. پس از آن چگونه شما میتوانید در میان ما زندگی کنید؟ یا هوشی مینه در سال ۱۹۴۶ به

مذکره کنندگان فرانسوی میگوید «اگر ما باید به جنگیم خواهیم جنگید. شما ده نفر از ما و یک نفر از شما را خواهیم کشت و در انتها شما از جنگ خسته خواهید شد.» (کتاب جنگ های دهقانی نوشته اریک ولف صفحه ۱۵۷ چاپ فابرین سال ۱۹۶۹).

این درست است که در جنگ با امپریالیسم و ابرقدرتها باید پایدار بود و پایداری رمز موفقیت است. و- انقلاب اسلامی ایران بعد از استقرار دولت خود با روشن کردن خط مشی اقتصادی و برنامه ریزی و به همراه آن باید سیاست خارجی خود را بسیان میداشت و در جهان سوم و از بلندگوهای آن کمال استفاده را در جهت تبلیغ و تشریح خط مشی سیاسی خود را نسبت به بسیاری از پدیده های درگیر جهان جهت تبلیغ و تشریح نظرات خود می نمود و خط مشی سیاسی خود را نسبت به بسیاری از پدیده های درگیر جهان امروز ابراز میکرد. زیرا دشمنان نیک آگاهند که ما چه میخواهیم اما بسیاری از کشورها که باید در خط مبارزه ما با امپریالیسم و ابرقدرتها قرار گیرند و خود را هم آهنگ سازند هنوز هم یک روش معین در سیاست خارجی ما مشاهده نکرده اند تا اطمینان یابند، مخصوصاً خط مشی سیاسی و دیپلماسی ما در خارج و داخل متناقض عمل کرده است. در شرایط فعلی دچار یک سردرگمی و عدم دقت در تشخیص دوست و دشمن است بطوریکه بسیاری از دولتها که همیشه طالب استفاده از موقعیت های مغشوش هستند با وجودیکه دشمنی آشنی ناپذیر با انقلاب اسلامی ایران دارند توانستند ما را بی چهره نشان دهند. نمونه آن پاکستان و شرق آسیا مکرر ما در کنفرانس به ظاهر اسلامی آن در اسلام آباد است که نه آباد از اسلام است و نه رهبر آن نشانهای از نور حق در اوست. و درست در زمانی که بسیاری از نهضتها آزادی بخش در امارات عربی و در سایر کشورها امید ی به انقلاب اسلامی ایران دارند و چشم ببدان دوخته اند رئیس دیپلماسی ما با شیوخ بمذکره مشغول است.

بنابراین انقلاب اسلامی ایران از نظر سیاست خارجی آنچنان باید رفتار کند که امیدهای مردم جهان اسلام و جهان سوم را ناامید نسازد. ز- تادزی ویتاچی نویسنده روزنامه نگار مشهور سری لانکا مینویسد:

«اگر فقر با آهنگ فعلی افزایش یابد بالاخره در جهان سوم شبیه ایران انفجاری بوجود خواهد آمد. رشد اقتصادی در جنگ و در صلح میتواند رخ دهد اما هرگز در دوره های بی ثباتی ادامه نخواهد یافت» غرض از ذکر بقیه در صفحه ۵

پیام طالقانی، شهادت و شورا

بقیه از صفحه اول

چون نیم قرن اول اسلام، باید بر همه شئون انسانی و اخلاقی و فضاوت و حکومت حاکم باشد، یکسره از زندگی برکنار شده و در هیچ شایه دخالت ندارد...

بسیر فست دانشها و اختراعات حیرت‌انگیز و سیاره‌های کیهان خیز چه نیازی به قرآن و آئین الهی است؟ می‌دید که دانشگاه ما، بعد از شهریور ۲۰، عرصه جولان دو گروه است...

۱- نهج البلاغه (ترجمه و تفسیر) ۱۳۲۵ ۲- تنبیه‌الامه (مقدمه و شرح) ۱۳۳۲ ۳- امام علی بن ابی‌طالب (ترجمه) ۱۳۳۵-۱۳۳۷ جلد اول ۴- به سوی خدا می‌رویم ۱۳۳۷ ۵- تمرکز و عدم تمرکز مرجمت و فتوا ۱۳۴۰

۶- جهاد و شهادت (سخنرانی) ۱۳۴۱ ۷- جلد اول پرتوی از قرآن ۱۳۴۲ (که در زندان نوشته شد) ۸- عید قربان ۱۳۴۳ (سخنرانی در زندان) ۹- آینده بشریت از نظر مکتب ما ۱۳۴۴ (سخنرانی در زندان) ۱۰- قسمت سوم و چهارم پرتوی از قرآن ۴۶-۴۳ (سخنرانی و بحث و تحقیق در زندان) ۱۱- جلد دوم پرتوی از قرآن ۱۳۴۶-۴۷ ۱۲- قسمت پنجم و ششم پرتوی از قرآن ۵۷-۵۵ (پیش از زندان و در تبعید و یادداشت‌هایی در زندان) که باید به این گنجینه شناخت معارف اسلامی و به این راه گشایان فهم اسلام سخنرانی‌ها و خطبه‌های او را- قبل و بعد از انقلاب- اضافه کرد.

دسیسه‌های امپریالیسم علیه انقلاب اسلامی ایران

بقیه از صفحه ۴

دشمن که در وجود شاه متبلور شده بود همه مردم و همه گروه‌ها هماهنگ با همدیگر به مبارزه علیه شاه و یارانش می‌کوشیدند. اما با وجودیکه اکنون با دشمنی بزرگتر و مخوف‌تر و بی‌ملاحظه‌تر روبرو هستیم آن وحدت و آن هماهنگی دیده نمی‌شود. در حالی‌که نیاز بان از هر زمانی بیشتر است خطر حمله و ابستگان به آمریکا و خود آمریکا آنهم بصورت نظامی هر لحظه احساس می‌گردد. ولی گویا بسیاری از مبارزین سابق فراموش کرده‌اند که هنوز انقلاب اسلامی ایران به جایی نرسیده است که به فکر تقسیم ماترک آن بیافیند. اکنون وقت درگیری و آواخ دادن تضادهای درونی نیست از ماجراجویی‌ها و ایجاد غائله‌ها باید پرهیز کرد که دیگر دیر خواهد شد. مبارزه با امپریالیسم نیازمند آگاهی دقیق تاریخ جهان و شناسایی کامل به تاکتیک‌ها و روش‌ها و استراتژی‌های دشمن دارد بنابراین اجتناب از ایجاد ماجراها و غائله‌ها ضروری و مبارزه با امپریالیسم به خاطر الله (بدون توجه به منافع خصوصی و جاه‌طلبی‌ها) شرط لازم پیروزی است.

«کو دتادر کودتا»

۲- مبارزه اجتماعی- سیاسی نزدیک ساختن روشنفکر و روحانیت مترقی و مبارز، سیاست و دین و مبارزه با استبداد و خودکامی هدفهای طالقانی در تلاشهای اجتماعی و سیاسی او بود.

تشیخ داد که مستقیم‌ترین راه مبارزه سیاسی با دیکتاتوری و استعمار آگاه ساختن مردم، متشکل ساختن آنان و ایجاد وحدت تحت لوای اسلام راستین است. او هرگز خود را از مردم جدا نمی‌دانست و تماسش باتوده‌ها مستقیم و صادقانه بود. در دوران اختناق، در صحنه اجتماع، و نیز در صحنه سیاست، حضور فعال داشت.

در جریان آذربایجان درسال ۱۳۲۵ خود به آن منطقه رفت و گزارشی دقیق تهیه کرد (۱۳۲۵) و در زمان مبارزه مصدق برای ملی شدن نفت، با نهضت ملی ایران همکاری کرد. او کاندیدای نمایندگی مردم شمال در دوره ۱۷ مجلس بود و ضمن تأیید دولت ملی دکتر مصدق، سعی داشت تا اختلافات بین گروه‌های مذهبی و مصدق را مرتفع سازد. پس از کودتای ۲۸ مرداد فعالیت‌هایش در مسجد هدایت و دیگر جاها علیه استبداد و خفقان نقش مؤثری در یاری مردم داشت و تشکیل نهضت آزادی ایران- به همراه مهندس بازرگان و دکتر سحابی (۱۳۴۰)- از اولین گامها به سوی تشکیل یک گروه مبارز و روشنفکر سیاسی- مذهبی در تاریخ معاصر ایران است.

طالقانی مسائل جهانی اسلام را نیز از نظر دور نمی‌داشت. فعالیت‌های ضد صهیونیستی او و حمایتش از مسأله فلسطین نیز از اولین اقداماتی بود که به نفع فلسطینی‌ها در ایران انجام شد. اما بزرگترین اثر طالقانی و همراهنش، همانا نزدیک ساختن مذهب و سیاست و اعمال اصول اسلامی در مبارزات سیاسی بود. او راهگشای دین و قرآن در دانشگاه بود و معرف بعد انقلابی ایده‌شولوی اسلام به نسل گرفتار خلاء فکری ایران آنهم در شرایطی که به گفته شهید دکتر علی شریعتی:

«در صد ساله اخیر، لاقلاً ۱۰۰ ترجمه فارسی مبارکس را در ایران دیدیم، اما پس از گذشت ۱۴ قرن هنوز یک ترجمه دقیق از نهج البلاغه و یا قرآن نداریم!»

طالقانی گشاینده راهی بود که بعدها دکتر شریعتی بهترین راهنمای آن گشت و انقلاب اسلامی ایران، هدف و کمال مطلوب این مسیر بوده است. ۳- خودسازی و نمونهای از چهره مسلمان راستین شدن سراسر زندگی علی وار طالقانی، سرشار است از درس‌هایی که می‌توان از یک مسلمان راستین آموخت. طالقانی فقط به هدایت دیگران و رهنمون خلق شدن بسنده نمی‌کرد، او خود را نیز می‌ساخت و چنین بود که تا آخرین روزهای عمرش، فکری نو و خلاق و پیشرفته‌تر از زمان خودش داشت. او هرگز دچار جمود فکری و توقف ایده نگشت، در هر مرحله از مبارزه، با ذوقی سالم و انتخالی صمیمی و فروتنی بی‌نام، روش جدیدی برمی‌گزید و مبارزه خود را با خواست‌های درست خلق و احکام خالق، تطبیق می‌داد. در دوره اختناق، که هدفش ترویج یک ایدئولوژی صحیح و مناسب برای مردم و سازمان‌دهی نیروها بود دیدیم که خود او همواره در صف مقدم جهاد در برابر جلدان می‌ایستاد و یک بار که یاران او را به جرم شرکت در مراسم سی تیر (۱۳۴۰) دستگیر می‌کنند، او به زور همراه آنان می‌رود و با آنکه قصد زندانی کردن او را ندارند، همراهِ دیگران به زندان می‌رود و رژیم، برای جلوگیری از شورش که زندانی شدن او برمی‌انگیخت، ناچار می‌شود با حيله او را از زندان بیرون بفرستد.

طالقانی مردی نبود که بگوید اما عمل نکند. بعد از انقلاب نیز، کلام و عمل او چنان صادقانه یکی بودند که دوستان و معشوقین را به وحشت می‌انداخت! غافل از اینکه رمز و راز محبوبیت و نفوذ شگفت طالقانی در بین مردم، همین یکسان بودن اندیشه و عمل طالقانی بود و طراوت و تازگی فکر او و خطبه‌های نماز جمعه درسهایی عمیق بودند که در ضمن ایجاد اتحاد بین مردم و پیوند نماز و دانشگاه و بخشیدن طراوت به روحیه انقلابی

حکایت

یکی از یاران قدیم، از سیاستمداران حکیم، در جمعی سخن همی گفت. و گوهر اسرار نهفته را با سرپنجهی ظریف لطایف همی سفت. دریغ آمدم ره آورد آن مجلس نهم دارم و خاطرات شرینش را به وادی فراموشی بسپارم. با خویشتن گفتم، شاید روزی آن تجربت دیگران را بکار آید و گره از کاری فرو بسته بگشاید.

روزی در مجلسی از احباب سیاسی نشسته و گوش به گفتار نغم مجلسیان بسته بودم. ناگه، سفیری به «جیبی» وارد شد. زبان به تسهیت گشاد و او را صلاهی صدارت عظمی بداد مجلس را انتظار همی رفت بل فور به آن ندا لبیک همی گوید و ره بجانب کاخ صدارت در جهت رتق و فتق امور همی پوید. تا معضلات پیچیده را حل و گردش چرخ دوار توطئه‌ها را مختل کند. برخلاف انتظار از آن واقعه نه تنها مشغوف نگشت، بل، دقایقه‌ای چند سران‌دیشه به زانوی تفکر فرو هشت. سفیر چون آن حالت دو دلی و تردید در چهره‌اش یافت، به تشویقش شتافت. گفت. الحق، این صدارت جامه‌ایست بقایب زیبا که خیاط سرنوشت به قامتت دوخته و شمعی است فروزان که افروخته رحمت به در خانهی بختت افروخته. هر چند کوشید، دیک سرد و سوسه‌اش نجوشید. از آن اصرار و از این انکار عاقبت به نیست استنصار (۱)، مشکلات کار یکایک بر مجلسیان بر شمرده و بمنظور استنفاذ (۲) خویش، در جهت رهائی از آن تشویش، عنان عقل به دست تفعل داد و دست استعانت بجانب مصحف بگشاد. چون کلام خدا باز کرد این سخنان را آغاز کرد، حاشا که بدین کسوت در آیم و دریچه بختم را به روی عروس صدارت بگشایم. حق تعالی فرماید «لا تقربولزنا انه کان فاحشته و ساءسیلا» (۳) با این امر مرا به تشکیل کابینه «رئاستی» نیست و در جامه صدارت نمیتوانم زیست در گلستان آمده است. «قدم لغروج قبل اللوج» «مردیت بیازمای آنکه زن کن» ایکه بر حل مشکلات بزرگ در دلت روزن «رئاستی» نیست

بکجا می‌روی در این ظلمت که فرا روی تو ضیائی نیست اهل مجلس چون رأی آن تفعل را بشنیدند، ناخن تحیر به دندان تفکر بجویدند و متفق البیان گفتند. شکر بی حد خدای عزوجل

که ز فیض قدیم رحمانی می‌نماید گهی صدارت را

- ۱. استنصار- کمک خواستن ۲. استنقاد- نجات کسی را خواستن ۳. هرگز بعمل زنا نزدیک نشوید که کاری بسیار زشت و راهی بسیار ناپسند است. ۴. بیرون رفتن را به داخل شدن مقدم شمار.

کلیله

صدای آقا شمس!

کرد، وقتی سخنان آن طوطیک پس آئینه را شنیدم بیاد پارهای از نوشته‌های سال ۱۳۳۲ روز نامه ملت بمدیریت شمس قنات آبادی افتادم. در آن سال دوستان ما جشن با شکوهی بمناسبت سالگرد بعثت حضرت محمد «ص» در «جمعیعت آزادی مردم ایران» برگزار کردند. که تحسین مسلمانان راستین را بر آورد و معرفت تا دکان کید قنات آبادیها را تخته کند لذا آن خود فروخته روحانی نما بدینگونه از آن جشن در روزنامه‌اش یاد کرد. «در جمعیعت کمونیست ایران» بنفع «مصدق و ضد شاه» سخن پراکنی شد و به بیت‌الله کاشانی و دکتر بقائی، حائری‌زاده و قنات آبادی حمله شده است» پس از گذشت ۲۷ سال تاریخ تکرار میشود. اینست صدای «آقا شمس» را از بلندگوهای صدای جمهوری اسلامی ایران میشنویم. این هنوز از نتایج سحر است.

### با کمال پوزش بقیه مقاله مصر و شاهی برای یک آغاز که دو شماره بعلت تراکم مطالب بستویق افتاد و تسلطن های متعددی از خوانندگان برای بقیه آن داشتیم ارائه میگردد.

قرارداد کمپدیوید بامضاء رسید و سادات خائن مناجیم بگین تروریست و صهیونیست را که اینک در بست نخستوزیری اسرائیل قرار دارد دوست خوب من خطاب می کنند قرارداد ننگین کمپدیوید را مرتجع ترین و کثیفترین سران عرب از قبیل خالد- فهد- ملک حسین تأیید نکردند. سادات دست به مانورهای مختلفی میزند حزب دیگری تاسیس می کنند معترضین مصری را از صحنه سیاست مصر خارج می سازد کشورهای مخالف قرارداد خائنه کمپدیوید جبهه های تشکیل دادند و با سادات به مبارزه برخاستند در اینوقت بود که نمایندگان مصر در کنفرانس ها و سمینارهای بین المللی اخراج و عضویت این کشور در مجمع مذکور بحالت تعلیق در آمد. سادات وقاحت را بجائی رسانده که خود را نماینده و قیم ملت فلسطین می داند و با اسرائیل برای خود مختاری این ملت در حال مذاکره است. روابط سادات و بگین باینجا ختم نمی شود آنها مانعی در راه توسعه دوستی های خود نمی دیدند. سفارتخانه های خود را در کشورهای همسایه گشودند پرچم اسرائیل در قلب قاهره بافتخار جنگ های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ و اخراج اعراب از موطنشان در اهتزاز است و این ننگی است که سادات در تاریخ از خود بجای خواهد گذاشت. واقعا سادات در قبال این خوشرقصی ها چه پاسخی برای ملت فلسطین دارد وقتی که شهرک های یهودی نشین یکی پس از دیگری در اراضی اشغالی در حال احداث است وقتی که شهرداران شهرهای عرب از محل زندگی و خدمتشان اخراج می شوند زمانی که جنوب لبنان زیر بارن بمب و توپ می لرزد سرهنگ حداد بکمک اسرائیل و آمریکا مردم این منطقه را قتل و عام می کند هنگامی که مردم فلسطین از داشتن محل زندگی محروم اند و در نقاط مختلف آواره شده اند عامل همه این دربردی ها و بیچارگی ها اسرائیل و آمریکای جنایتکار هستند و سادات سرمست از باده پیروزی برادران عرب خود را فراموش کرده و همچنان بخینت خود ادامه می دهد. به پاداش این خینت ها مجلس پوشالی مصر لباس ریاست جمهوری مادام العمر را بستن آقای سادات می کند و او را مقامی در حد شاهی می دهد.

### مصر و شاهی برای یک آغاز

می کند ریاست جمهوری مادام العمر یک بازی و در حقیقت یک نیرنگ است. پیدا است که زندگی شاهانهای را برای خود تسدراک دیده راه و روش پادشاهان و امیر اطوران را تقلید می کند وقتی خود بدیدن مناطق نظامی می رود همسرش جهان سادات سرگرم بازدید از کود کستانها- بیمارستانها- و پرورشگاه ها می شود. خانم جهان سادات در راه ریا و تزویر کمتر از شوهرش و نیز کمتر از فرح و آدمهائی از این قبیل نیست. شاید آینده های شبیه محمد رضا برای شوهرش مهیا سازد زیرا اوست که در چند ماه پیش آقای رئیس جمهور را وادار به تدارک یک میهمانی شاهانهای می نماید. این میهمانی بزرگ در نزدیکی اهرام مصر بر پا شد. مانند جشن ۲۵۰۰ ساله شاه که نزدیک تخت جمشید برگزار شد افتضاح جشن آقای رئیس جمهور به روزنامه های اروپا و آمریکا کشیده شد. مدعوین صاحبان تراستها- کارتلها و شرکتهای بزرگ بودند. نیویورک تایمز درباره آن داد سخن می دهد و آنرا برابر جشن های ۲۵۰۰ تخت جمشید محمد رضای دیوانه می داند. در این جشن رقاصان مصری مدعوین شیک پوش غرق در عطر را مشغول کردند. فرانک سیناترا خواننده پیر آمریکائی با دسته موزیک ۶ نفری اش بخرج مردم مصر با هواپیمای اختصاصی جت بوئینگ از آمریکا وارد مصر شده بود و ۱۵۰۰ دلار فقط بابت کرایه این هواپیما پرداخت شده مدعوین از گرانترین لباسهای موجود در دنیا استفاده کردند زن و دختر و عروس آقای رئیس جمهور مادام العمر لباسهای برونک عاج بتن داشتند که نیش کنایه و سرزنش خبرنگاران را به همراه داشت.

### دست در دست امپریالیسم دارد

اخیرا گفته شده مصر و آمریکا در تدارک مانور نظامی در آبهای خلیج فارس می باشند این مانور بزودی آغاز خواهد شد. دولت ایران باید ناظر این مانور باشد و توجه به منافع ایران در خلیج فارس و حفظ جزایر ایرانی خلیج فارس داشته باشد اینها تنها مشکلات سادات نیستند آنچه او و پاراناش را مشوش می سازد وضع اقتصادی در حال سقوط مصر است از سال ۱۹۷۴ یکسال بعد از پیروزی ساختگی جنگ رمضان ۱۹۷۳ مصر به جرگه کشورهای وارد کننده کالاهای کشاورزی پیوست در حالیکه آب وهوای مدیترانه ای و دره ها و سواحل نیل باید بتواند مایحتاج مصر را تأمین نموده حتی این کشور را قاجربه عرضه کالا بخارج نماید. با این همه امکانات کشاورزی بعلت سقوط قیمت های فرآورده های کشاورزی امکان کشت فراهم نگشته و مصر ناچار به وارد کردن کالاهای غذایی نیز شد. رژیم سادات علاقهای به تأمین کشاورزان نشان نمی دهد. کشاورزان بسهولت متوجه بودند در زمان ناصر بین سالهای ۱۹۵۵ تا قبل از جنگ ۱۹۶۷ کشاورزی چه سود سرشاری داشته و کشاورزان از ازدیاد تولید راضی بودند این شکوفائی اکنون به افسانه ها پیوست مصر از کمبود تولید کالای کشاورزی و مواد غذایی رنج میبرد کشاورزان از محل های کشت مجبور به فرار شدند اقلام کشاورزی از خارج وارد میشود با یک بررسی اجمالی و کلی از لحاظ سیاسی- کشاورزی و اقتصادی پی میبریم این کشور سیر قهقرائی طی میکند و این در باغ سبز را که سادات بمردم وعده کرد شبیه دروازه های تمدن بزرگ آریامهری بود و حالا مردم ستمدیده زیرسلطه مصر به نیرنگها و ریباها و تزویرهای این مرد خائن که در جای ناصر نشسته است پی برده اند و دانسته اند مصر نیز مانند همه کشورهای تحت سلطه امپریالیسم بطرف تولید تک محصولی پیش میرود و از لحاظ سیاسی آبرویی باقی نمانده از لحاظ اقتصادی وام های کمربشکن و تعهدات زیاد چاره ای جز اطاعت از اسرائیل و آمریکا باقی نمی گذارد و این راه آغازی است برای سقوط پوشالی مصر و آغازی است برای رهائی ملت مصر.

### لندن جنایت بیداد گاه

طبق اظهار کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن یکی از خواهران مجاهد در بیداد گاه لندن به شش ماه زندان و اخراج از انگلستان محکوم شد این جنایتکاران که نام انسان بر خود نهاده اند این خواهر مجاهد و پاکدامن را با حال مریض بستند فرستادند که فاسدترین زندانیان جامعه نظیر قاچاقچیان و زنان روسپی در آن نگهداری میشود- ماضن محکوم نمودن این عمل غیرانسانی از مسئولان جمهوری اسلامی میخواهیم هر چه زودتر این زن فداکار را از زندان روسپیانجات دهند. «پیروزی حق و شکست باطل» پیروزی کارگران اعتصابی لهستان و شکست استثمار گرانی که خود را حامی طبقه کارگر میدانند نویدی بر دل های میلیونها زحمتکش جهان که اسیر چنگال خون آشامان کمونیسم هستند بود و کارگران دلیر لهستان ثابت کردند که در مقابل تهدید ارتش سرخ تسلیم نمی شوند و نمیگذارند دسترنج آنها بیش از این صرف ساختن جنگ افزار و سیر کردن شکم کاخ نشینان کرملین شود گرچه دولت شوروی اعلام نمود هرگز اجازه نخواهد داد تغییرات بنیادی در اصول «سوسیالیسم» در لهستان بوجود آید.

وزیر نفت و دارائی قطر گفت نفت کمک مهمی برای کشورهای عربی بهنگام مبارزه با رژیم اشغالگر قدس محسوب میشود این کشورها نباید تهدید کنند که از نفت بعنوان اسلحه استفاده میکنند (البته

قادر میسازد در منطقه وسیعی از دریای مدیترانه تا دریای سرخ و شاخ آفریقا و اقیانوس هند و آبهای گرم خلیج فارس از امکانات نظامی و سیاسی ویژه ای برخوردار باشد برای حفظ سادات است که سازمان مخوف و تبهکار ( سیا ) دستگاه پیچیده و پیشرفته بسیار قوی و دقیق گیرنده و فرستنده در اختیار او گذاشته تا سادات بتواند از اطراف خود شخصاً باخبر گردد. او با این دستگاه میتواند استراق سمع اطرافیان خود را کنترل نموده و خود نیز مبادرت به استراق سمع نماید.

او میگوید از حمایت ۹۹/۹ مردم مصر برخوردار است و با یک میلیون سرباز مصری میتواند کمک مؤثری برای آمریکا باشد بهمین جهت آمریکا دست بتولید انواع سلاح در مصر زده است و گفته میشود در آینده هواپیماهای اف ۴ و اف ۵ و هلی کوپتر در مصر ساخته خواهد شد. همه اینها نشان میدهد سادات در منجلب امپریالیسم غرق شده

مردم فقیر مصر باید در فقر و بیسوادی و عقب ماندگی شاهد اینگونه جشن های شاهانه باشند. اختناق و بگروه به بند در مصر بیداد می کند حزب مخالفی حق فعالیت ندارد اساسا در مصر مخالفتی نیست حرکتی نیست و جنبشی نیست. آنچه هست بی رنگ و بی رونق است گاهی اعتراض دانشجویان و کارگران و انتشار شب نامه که کافی نیست هنوز ملت مصر حاضر بقیام نیست و این بیشتر بعلت نفوذ پلیس در سادات نیز مانند اربابش از انقلاب ایران وحشت زده شده دست به اقدامات عجولانه ای زده است. فعالیت روحانیون را منع کرده محیط های دانشجویی و کاری را زیر نظر گرفته در خلیج فارس فعالیت های مشکوکی را آغاز نموده به حکمرانان عرب آن وعده کمک نظامی در قبال تهاجم احتمالی ایران انقلابی را می دهد به سلطان قابوس نصیحت می نماید پذیرای ناوگان و هواپیماهای آمریکا باشد. پنهان و آشکار با عراق و

ارتش مردم

حربه نفت

خبرگزاری ها خبر از کودتای نیروی هوایی و دریائی و دستگیری و اعدام ۶۰۰ افسر را دادند. اگر این خبری اغراق آمیز باشد لااقل حرکتی و جنبشی بوده که این گام اول است و مردم غیرتمند مصر راهی طولانی در پیش رو دارند زیرا که امپریالیسم آمریکا بهیچ قیمتی حاضر به از دست دادن سادات نیست از او برای همیشه حمایت خواهد کرد چرا که وجود او آمریکا را

این گام های بلندی است که او در راه دیکتاتوری کامل بر می دارد. تمام حوادث و شواهد حاکی است که او تشنه قدرت می باشد و باین علت است که شدیداً به ارتش خود تکیه

# امت واحد جامعه برابر و برادر

بقیه از صفحه ۱

جامعه‌ای که تبلور گاه امت واحد است باین ترتیب در آن اخوه - عدالت - مساوات - مواسات - قسط - ایثار - برقرار گردد تا بتوان آن را امت واحد دانست و اما دیدگاه‌های قرآن در روایات و خطب در این زمینه:

الف - در زمینه اینکه جامعه اسلامی باید جامعه‌ای بر مبنای اخوه باشد انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم واتقوا الله لعلکم ترحمون آیه ۱۰ سوره حجرات همانا مومنان برادرند پس آشتی افکنید میان برادران خویش و بترسید از خدا شاید مورد رحم قرار گیرید.

برادری یکی از مشخصات و ویژگیهای جامعه اسلامی است برادرانه و ویژگیهای اخوت حاکم بر جامعه نبود آن جامعه دیگر جامعه ایمانی یعنی جامعه اسلامی نخواهد بود چون آیه صریح اعلام میدارد و نشانه مؤمنین و یا جامعه ایمانی را بزبان عربی میباید انکارناپذیر برادر بودن با هم قرار میدهد برادر بودن یا جامعه برادر آیه به جامعه طبقاتی میتوان برادر گفت؟

آیا به جامعه‌ای که تبعیض بر آن حاکم باشد میتوان جامعه برادر گفت؟

در یک جامعه برادر، میشود یکی دارای چندین واحد مسکونی و دیگری دارای سکنی نباشد

در یک جامعه برادر، میشود یکی در خانه چند هزار متری زندگی کند و دیگری زیر چادر، در یک جامعه برادر میشود یکی دارای وسیله نقلیه راحت ضد گلوله با راننده باشد دیگری در صف اتوبوس عرق بریزد و یا حتی پول بلیط اتوبوس هم نداشته باشد

در یک جامعه برادر میشود کسی بهترین غذاها و میوه‌ها را مصرف کند و دیگری برای سد جوع از داخل خاکروبه خانه آقا غذا تهیه کند.

حال ببینیم حضرت رسول (ص) در این موارد چه میفرماید و برادر را چگونه توصیف مینماید.

افضل الاعمال ان تدخل علی اخیک المؤمن سرورا او تقضی عنددینا

بهترین کارها آنستکه برادر مومن خود با سرور و خوشحالی وارد شوی یعنی او را خوشحال سازی یا قرض او را بپردازی؟

برادری قرض برادری را بپردازد یعنی در حقیقت جمع‌العمال باشد قرض او را قرض خود بداند و در اداء دین او کوشش کند آنچنان که برای ادای دین خود کوشش میکند.

آیا ما چنین هستیم؟ آیا جامعه ما چنین جامعه است؟

باز حضرت میفرماید افضل الاعمال بعد الايمان بالله التوود الی الناس

بهترین کارها پس از ایمان بخدا دوستی با مردم است.

# میلیونها گر و گان بهداشتی

بقیه از صفحه ۱

اکثر قربانیان این جنگ وحشی کودکان و زنانی هستند که توسط «مین‌های ضد نفر» دستوپای خود را از دست داده و صدها کیلومتر خود را کشان کشان به پاکستان رسانیده‌اند.

یک گروه پزشکی فرانسوی که ماه گذشته با تجهیزات کامل جراحی و پزشکی عمومی برای مدت ۳ هفته در استانی واقع در محور استراتژی یک قندهار - کابل اقامت داشته‌اند در خاتمه ماموریت خود گزارشی تهیه کرده‌اند که بخش مهمی از آنرا برای خوانندگان ترجمه میکنم.

در غالب دهکده‌هایی که برای کمک بآنجا رفیقیم باوجود مخاطرات فراوان مردان و زنان مسن حاضر بترک سرزمین اجدادی خود شده‌اند و فقط جوانان در کوهستانهای اطراف سنگر بسته بودند در این دهکده‌ها کودکان و زنان پیرمردان بدون کوچکترین تأمین بهداشتی و در وضع اسفناکی بحال خودرها شده بودند.

مردم از بیماریهای چون سرخک و سرماخوردگی ساده جان سالم بدر نمی‌برند. اکثر اهالی مسلولند و بیماری فلج اطفال و کزاز و مرض جذام بصورت منطفق‌های در همه جا چشم میخورد.

در تمام ناحیه یک قطره آنتی بیوتیک و واکسن پیدا نمیشود و باین علت کوچکترین جراحی عفونی شده و به مرگ می‌انجامد.

تنها داروی موجود در بازار گرد سفید رنگی است که توسط یک شرکت بزرگ چند ملیتی ساخته میشود و بنا بگفته اهالی برای معالجه تمام امراض از ناراحتی قلبی گرفته تا بیماریهای عصبی از این گرد معجزه‌آسا استفاده میشود و ۹۹ درصد ترکیب شیمیایی این گرد سحرآمیز را قند معمولی تشکیل میدهد!

در حالیکه در تمام منطقه بدترین این بدرا حضرت رسول زبان درازی بر عرض برادر دینی خود فرموده‌اند ای بظاهر مومن که مدعی پیروی از امامی آید چنین به برادران دینی خود تهمت میزنی انتظار یاری خدا را داری تو که نه فقط به یاری برادرت توفته‌ای بلکه بر او تهمت هم میزنی که از بدترین ربا است جامعه ایمانی و برادر را میتوان از الگوی یک خانواده که برادران و خواهران و پسر و مصادر را در بر گرفته است بدست آورد در یک خانواده سالم آیا میان این برادران و خواهران اولاً تبعیض طبقاتی متصور میشود که مثلاً یکی با روزی یکصد ریال زندگی بخورد و دیگری با روزی یک ریال در رفاه بسر برد اصلاً در درون یک خانواده مثلاً مال من و مال تو هست هرگز چنین نیست هر چه هست برای همه هست.

ادامه دارد

# جمعه سیاه و جمعه‌های سیاه

وسيله تلفن فرماندهان نظامی شهرها را معین و ابلاغ میکردند، مردم تهران خسته از راهپیمایی در خواب بودند ساعت ۶ صبح ۱۷ شهریور ستون‌های نظامی از پادگان عشتراپ آباد عازم میدان شهدا و فوزه (امام حسین امروز) شده در نقاط مختلف مستقر گردیدند، و رادیو ساعت ۶ صبح حکومت نظامی را در ۱۱ شهر اعلام کرد که مردم اکثراً در خواب بودند، ساعت ۷ صبح میدان شهدا در تصرف نظامیان بود، مردم تک تک وارد میشوند و خبر حکومت نظامی را به یکدیگر میدادند، سربازان راهپیمای ورودی میدان را مسدود کردند و اجازه ورود ندادند مردم در راهپیمایی فرعی تجمع کردند و از خیابان سقاچاشی بطرف میدان رفتند لیکن نزدیک پمپ‌بنزین صف سربازان مانع ورود مردم میدان میشوند، رفته رفته جمعیت زیاد شد، صف جلو را حدود یکصد موتورسوار تشکیل میداد، بعد از موتورسواران حدود سیصد نفر خانم چادر مشکی روی اسفالت نشسته بودند و بعد از خانمها مردان روی زمین نشسته شعار میدادند، در این هنگام چهار کامیون معلول از سربازان مسلح بجلو جمعیت رسید و سرگرد از نشی با بلندگوی دستی اخطار کرد که متفرق شوید، حکومت نظامی اعلام شده که مردم توجه نکنند، ساعت حدود ۷:۱۰ صبح که سربازی روی یکی از کامیونها با تفنگ یک تیرگلولی خود شلیک کرد و به زمین افتاد، ابتدا فکر کردم از بین جمعیت شلیک شده ولی وقتی زمین افتاد معلوم شد خود کسی کرده که هموطن خود را نکند بقیه سربازان بنا بفرمان فرمانده خود عقب نشستند و جنازه سرباز را با خود بداخل میدان بردند مردم دستهای خود را به خون پاک سرباز که روی اسفالت ریخته بود زده روی پرچم سفید میزدند و شعار میدادند در راه حفظ اسلام، ارتش یک شهید داد.

کامیونهای سرباز که عقب رفته بودند چند دقیقه بعد بطرف جمعیت برگشتند و قبل از اینکه از حرکت باز ایستند ناگهان صدای رگبار برخاست ابتدا موتورسوارها بزمین غلطیدند و سپس خواهران سیاهپوش و بعد مردان سخون غلطیدند، صدای ضجه و ناله به هوا خاست سالم ماندگان بخانه‌ها پناه بردند رگبار دوم بقیه فراریان وزنده ماندگان را درو کرد و صدای فریاد بود که برمی‌خاست لحظاتی بعد کسانی که جرات کرده بودند از خانه‌ها بدر آمدند و به کمک مجروحین شتافتند با موتور و وانت بسوی بیمارستانها بردند و حتی در خانه‌ها مجروحین بستری شدند، در هجوم بعدی به خیابانهای اطراف رگبار غوغا میکرد، ساعت حدود ۱۰ صبح تمام خیابانهای اطراف صحنه برخورد خونین بود و غرق در خون.

هنوز آمار کشتگان دقیقاً معلوم نیست، فردا شنبه ۱۸ شهریور در بهشت زهرا جنازه شهدا اکثر بدون غسل و کفن بخاک و به تاریخ سپرده میشد و به طول صف شهدای اسلام و آزادی افزوده میشد، چون هویت اکثر شهدا معلوم نبود با دوربین پولا روی عکس گرفته میشد و با نگاهی از لباس یا کفش شهدا روی قبرها نصب میشد که بازماندگان از این نشانه‌ها مدفن عزیزان خود را پیدا کنند شمار دفن‌شوندگان امروز حدود ۲۵۰۰ بود در روزهای بعد سیر از بیمارستانها شهید می‌رسید و دفن میشد، بدین ترتیب غروب حسین ۱۷ شهریور در صفحه سارخ مبارزات اسلامی و انقلاب اسلامی ایران جسد او ثبت شد. چون صفحات محدود است در فرسی دیگر تحلیل اجتماعی و انراب این روز را در کل انقلاب تشریح خواهیم کرد.

## توطئه

بتو ای ملت بیدار و غیور  
بتو ای ملت آزادخواه،  
بتو ای ملت رنجیده و غور  
بسته‌ای دفتر دوران سیاه  
بتو ای ملت رنجور و صبور  
بتو ای ملت، هشدار دهم!  
که کنون توطئه‌ای در کار است  
توطئه بهر سیه روزی ما  
بهر نابودی این بیکار است  
کودتا از طرف یانکیها  
بهر برگشتن استعمار است  
بتو ای ملت، هشدار دهم  
گشته پیدا از سخن‌های اخیر  
نطقهایی که در امریکا شد  
خنده و شادی مزدور و اجیر  
نقشه و توطئه‌ای پیدا شد  
عاملش ریزه خور و جیره بگیر  
بتو ای ملت هشدار دهم  
تا که نابود شود این بیکار  
تا که پاشیده شود این نهضت  
تا که تخریب شود استعمار  
تا که تسلیم شود ملت ما  
تا که خاموش کند آتش ما  
بتو ای ملت هشدار دهم.

تیر ۳۲

# در مجلس چه میگردد؟!

بقیه از صفحه اول

نخستوزیر در روز ۵۹/۶/۱۵ لیست ۱۷ نفر را بعنوان وزارتخانه و سه نفر را بعنوان وزیر مشاور در امور اجرایی و سرپرست شرکت ملی فولاد ایران و سازمان بهزیستی به رئیس جمهور تقدیم میکنند و تقاضا میکنند که هر طور مصلحت میدانند عمل کنند و در این لیست برای وزارت بازرگانی کسی معرفی نشده است و به همراه همین لیست نامه‌ای هم بعنوان ریاست مجلس شورا مینویسد و مراتب ارسال چنین فهرستی را برای رئیس جمهوری اطلاع میدهد و آمادگی خود را برای معرفی و توضیح لازم برای نمایندگان مجلس اعلام میدارد، بنابراین نکته اول اصل ۱۳۳ که پیشنهاد وزراء از سوی نخستوزیر است قانوناً صورت میگیرد و رئیس جمهور متعاقباً با استناد به همین اصل، نامه‌ای بعنوان رئیس مجلس میفرستد و اعلام میدارد که با چهارده نفر از لیست ۲۰ نفری مخالفت ندارد و آنان را قابل معرفی به مجلس میدانند و ظاهراً نکته دوم اصل ۱۳۳ هم بدین شکل مورد عمل قرار میگیرد و برای اجرا آخرین نکته این اصل که اخذ رای اعتماد مجلس ملزم به اجرای ماده ۱۷۹ آئین‌نامه داخلی بود که میگوید:

«نخستوزیری که از مجلس رای تمایل گرفته است خودش در ظرف ده روز اساسی هیئت وزیران و برنامه دولت را کتبا تسلیم مجلس مینماید تا بلافاصله دستور طبع و توزیع آن از طرف رئیس مجلس داده شود... رئیس مجلس حداکثر ۲ جلسه علنی کامل را در اولین فرصت ممکن اختصاص به بحث و بررسی برنامه دولت و هیئت وزیران و اخذ رای اعتماد خواهد داد و... و ظاهراً جلسه روز یکشنبه نخستین جلسه بحث و بررسی برنامه دولت بعد از معرفی و ارائه برنامه باید میبود که به دلایل متعددی که از سوی نمایندگان ابراز شد بحث در برنامه دولت به روز سهشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه موکول گردید... دلایل عمده عبارت بود از عدم تعیین دستور جلسه مزبور در انتهای جلسه قبلی بطور صریح، و بیان احتمالی و مشروط رئیس مجلس در این باره: (در صورتیکه نامه رسمی معرفی هیئت وزیران به مجلس برسد و در روز ۵۹/۶/۱۵ یعنی یک روز قبل از تشکیل جلسه علنی و رسمی توزیع و بساطت اطلاع نمایندگان برسد که این تکثیر بود ولی توزیع نشده بود و در تالار جلسه علنی تعیین نمایندگان تقسیم گردید) و بنابراین اصولاً طرح برنامه دولت نمیتوانست در دستور جلسه رسمی مجلس قرار گیرد و همچنین لوحه نام نویسی نمایندگان برای صحبت موافق و مخالف درباره برنامه دولت که

۱۱ وزیر اصلی و سه وزیر مشاور و مشخص نبودن وزراء چندین وزارتخانه اصلی (آموزش و پرورش- اقتصاد و دارایی- بازرگانی)- برنامه و بودجه- امور خارجه- کار) و با در نظر گرفتن سهمی که این وزراء باید در تنظیم برنامه دولت داشته باشند طرح برنامه قبلی دولت که با شرکت ۲۰ نفر وزراء پیشنهادی تهیه و در اختیار نمایندگان قرار گرفته بود نمیتوانست اصولی باشد- مگر اینکه برنامه هر وزارتخانه و هر وزیر را جداگانه طرح و مورد بررسی قرار میدادند که در اینصورت هماهنگی و توازن در انتخاب سیاستها و خط واحد دولت میتواند مورد اشکال شود.

چرا که وزراء بعدی باید برنامه‌هایشان را منطبق با خط تعیین شده بوسیله وزراء قبلی تهیه کنند و در غیر اینصورت عدم تجانس و هماهنگی دولت را با مشکلاتی از نوع مشکلات دولت موقت روبرو میکند و در حقیقت وزراء بعدی نقشی در انتخاب خط اصلی دولت عملاً نمیتوانند داشته باشند. و این خود تعارضی است که در این شکل معرفی کابینه ناقص بوجود میآید- مثلاً مسئله دیگری که مورد اشاره نمایندگان قرار گرفت استناد به قسمت اخیر اصل ۱۳۳ قانون اساسی است که وحود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین میکند» و چون قبلاً قانونی که مشخص کننده تعداد وزیران باشد و مخصوصاً حدود اختیارات آنها را معین کند نگذشته است لذا رای اعتماد دادن به وزراء مشاوره که تعدادشان قانوناً معین نیست و همچنین به کلیه وزراتی که حدود اختیاراتشان تعیین شده است ناقص این اصل قانون اساسی است. ولی با توجه به همه این ایرادات و اشکالات قرار شد که نخستوزیر نامه‌ای رسماً به مجلس بنویسد و صریحاً اعلام کند که چه کسانی وزارتشان به تصویب رئیس جمهور رسیده است و آنگاه در جلسه آینده درباره برنامه و اعضای تصویب شده کابینه توضیحات لازم را بدهد و در اینصورت بحث درباره برنامه دولت و سرانجام اخذ رای اعتماد به وزراتی معرفی شده به روز پنجشنبه ۱۸ شهریورماه موکول گردید.

آخرین قسمتی که در این جلسه مجلس بدون مقدمه و خارج از دستور اعلام شد، و برخلاف صریح مواد ۴۱ و ۴۲ و ۶۸ آئین‌نامه داخلی طرح شد پیشنهاد ارجاع آئین نامه انتخابات نمایندگان باقیمانده مجلس شورا در نقاطی که هنوز انتخابات صورت نگرفته و از سوی وزارت کشور و شورای نگهبان به کمیسیون امور داخلی مجلس شورا طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی بود که اولاً طرح بدون مقدمه این مسئله اساسی که قبلاً طبق مواد ۶۸ و ۵۹ آئین‌نامه باید جزو دستور کار

# جنگ قدرت بکجا ..

بقیه از صفحه اول

گروه دیگر که باید گفت مبارزین داخلی بودند که اگر چه بعضی شان قبل از انقلاب فعالیتی متمرکزی نداشتند، بالاخره در گیر و دار انقلاب خود را بعنوانینی داخل معرکه نمودند، البته عدماى از آنها هم بدون تردید از بنیان گزاران انقلاب اسلامی مردم ایران بوده و مبارزه را از سال‌های ۱۳۴۲ بعد شروع کرده‌اند، اغلبشان مسلمانان سنتی و فاقد بینش سیاسی بودند و به همین دلیل مبارزاتشان در چهارچوب یک حرکت اسلامی سنتی متوقف میگردد اگر چه حرکت اسلامی، متناسب با تکامل فکری انسانها تاریخ‌ساز بوده است، اینان چنین تکامل فکری را در عمل قبول نداشتند، با آنکه ترقی خواهی اسلام راستین را از ابتدا تا امروز انکار نمی‌کنند. دسته دوم بادیسته اول همیشه بینش متفاوت داشته ولی چون از نظر اداره کشور مخصوصاً اعمال یک سیاست جهانی، نیازمند مشاوره با دسته اول است در عین حال که آنان را نقی نمی‌کنند، از قدرت گرفتنشان بهر طریق ممانعت بعمل می‌آورد.

قدرت بیشتر در روند آینده حکومت ایران، و اختلاف و کشمکش از همین جا ناشی میشود که گروه اول برای در دست داشتن مراکز اصلی قدرت که همانا وزارت کشور، دفاع، خارجه است عکس‌العمل‌هایی نشان میدهد. لازم بیادآوری است که دوجریان حاکم بر انقلاب ایران چنین رویارویی‌ها فراوان داشته و لیس در نهضت دست در دست هم برای اداره مملکت، همانگونه که تا بحال یکدیگر را پذیرفته‌اند در آینده هم روند قبلی را ادامه خواهند داد.

**در این میان نقش تاریخی امام که با چنین واقعیت‌هایی جنبش را در مسیر تکاملی قرار داده شایان توجه است که همیشه به توده‌ها تکیه کرده و رسیدن به الهه را هدف قرار داده است و به همین دلیل نوسانات فراوانی را در هیجده ماهه بعد از انقلاب شاهد بوده‌ایم. مهمتر آنکه هدف یک حرکت مکتبی دادن شخصیت به انسانهای مسئول است که متأسفانه دست‌اندرکاران، آن شخصیت را بتدریج از مردم سلب کرده و فقط بهنگام نیاز آنان را بمیدان کشیده‌اند که نتیجه‌اش در هر مقطع زمانی به جو سازی علیه این و آن انجامیده است و سپس بدون هدف و برنامه افکار عمومی را بحال خود رها کرده‌اند و دشمن هم از چنین سخن‌پراکنی‌ها، بهره‌گیری کرده تا جائیکه امنیت قضائی و شغلی افراد مورد تجاوز قرار گرفته و یاس و سرخوردگی را روز بروز وسعت بخشیده است.**

**اینک که کنترل اوضاع چنین آشفته‌ای از دست همگان خارج گردیده و رئیس جمهور که تا دیروز خود را برای رفع چنین مشکلاتی آماده رزم می‌دید بیکباره اعلام میکند (اگر در انتخاب آزاد بودم یک لحظه در این مقام نمی‌ماندم) و کسی نیست ببرد روزیکه شما کاندیدای ریاست جمهوری شدید چرا بدون کادر مشخصی که شما را یاری کند بچنگ مشکلات آمدید؟! و یا اگر چنین کادری را دارید چرا معرفی نمی‌کنید؟! تا مردم بدانند، شما که احساس مسئولیت میکنید و کابینه کنونی را درخور اداره مملکت نمی‌دانید، خود کادر ورزیده و آماده‌ای برای رویارویی با تمام ناراحتی‌ها در این شرایط بحرانی دارید، و مگر ممکن است یک رئیس جمهور مسئول، بدون تکیه به عناصر مشخصی که باید به جامعه حکومت کنند سگان گشتی طوفان‌زده‌ای را بدست گیرد؟! حقیقت اینستکه چنین انقلابی با چنین واقعیاتی انجام پذیرفته و مردم، که برای حاکمیت خود می‌جنگیدند بیکباره رویاروی امریالیسم غارتگر آمریکا قرار گرفته‌اند و دست‌اندرکاران از موقعیت**

استثنائی و حساس تاریخی ما بهره گرفته تا جائیکه اغلب مواقع مقام رهبری را هم از کشمکش میان خود بی‌نصیب نمی‌گذارند، لحظات حساس کنونی سکوت را ایجاب میکند ولی بی‌تفاوتی قابل توجه نیست، مردم، بعنوان بهره‌گیری از یک مرحله تاریخی میتوانند به سازماندهی و تشکل خود همت سازند و هدف را در مرحله بعدی استقرار نظام شوراى قرار دهند هر چند در پیوند چنین راهی با موانع فراوانی روبرو باشند.

رویارویی‌های کنونی نتیجه خود محوری‌های فراوان است که هر کدام دیگری را قبول ندارد ولی امام که توحید اجتماعی ما را با اینهمه تضاد فکری و شخصیتی طبقاتی سبب گشته و دائماً وحدت را توصیه میکنند خوشبختانه سگان دار دریای متلاطم خشم توده‌های از بند رسته میباشد و از آسیب‌پذیری جنبش و انحراف آن ممانعت بعمل می‌آورد. شایسته است که در این لحظات هر کدام بسهم خود از گسستن وحدت توده‌ها جلوگیری کنیم تا توده‌ها رسالت خود را دریابند و در آینده نزدیک حاکمیت خود را اعمال کنند.

اگر دست‌اندرکاران تقسیم قدرت قدری واقع‌بین باشند و از پوسته کنونی خود خارج شوند و بعنوان انسانهای بی‌نظر و بیطرف اوضاع را از بیرون بنگرند خطر را در یک قدمی احساس خواهند کرد، در شرایطی که بودجه کشور با احتساب فروش روزانه دو میلیون بشکه نفت از قرار هر بشکه ۳۵ دلار پیش‌بینی به بسته شده و روزانه هفتاد میلیون دلار درآمد نفت است که میتواند سالیانه ۱۸۰۰ میلیارد تومان از کل بودجه امروز به حدود هفتصد هزار بشکه فروش روزانه رسیده و در شرایطیکه ۸ میلیارد دلار از ارزی ما توسط آمریکا بلوکه شده و بقیه را نیز صرف کسری فروش روزانه مینمائیم.

در شرایطیکه تولیدات داخلی روز بروز رو به نقصان گذاشته و تقریباً تعداد بیکاران بسرعت افزایش خواهد یافت. در شرایطیکه بعزت پائین رفتن سطح تولیدات داخلی جمع واردات مایجرا افزایش خواهد یافت و روز بروز علیرغم شعارهای خیابانی میزان وابستگی ما بخارج با سرعت فزونی خواهد یافت در شرایطیکه بنا بدلائل فوق تورم بیداد میکند و سودجویان و متحرکان بازاری نیز آتش‌بیار معرکه تورم شده‌اند و تورم وارداتی و داخلی گریبان حقوق بگیران مستمند را بسختی می‌فشارد اینان چه بی‌خیال و آسوده سرگرم تقسیم قدرت و میراث هستند بقول نیما ای آنانکه درساحل نشسته شادوخندانید یکنفر دردربا دارد میسپارد جان،

مردم ایران جاما  
شماره ۷۷  
سال دوم  
پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۵۹  
اول ذیقعدة ۱۴۰۰